

چینی‌های سامانه که کمی بهتر هستند

بررسی ۶ خودروی وارداتی از خاور دور به لحاظ قیمت و کیفیت **صفحه ۵۰ را بخوانید**



ویژه آخر هفته

نقش وکیل در این پرونده: قربانی باش نه مدافع!

در سال‌های اخیر وکلای زیادی قربانی جنایت شوم شده‌اند

● داستان سه جزیره / قصه‌های گمشده - پاورقی روزهای فرد ● سرقت پر تکرار ترین جرم در تهران است / معاون داد گستر: تبلیغات سراها و فروشگاه‌های بزرگ را رصد می‌کنیم ● سفر در فصل برگ‌ریزان / تورهای قشم و چابهار در فصل پاییز نسبت به بقیه مقاصد گران ترند ● خرید قسطی آیفون ۱۳ به صرفه است؟ / برای خرید قسطی گوشی حتما باید چک صیادی داشته باشید و ۴۰ درصد مبلغ گوشی را نقد بپردازید ● کارنامه دخل و خرج چهار ماهه / وضعیت اجرای بودجه در چهار ماه ابتدایی سال ۱۴۰۳ بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

H A F T - E - S O - D A Y

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی ایران
پنجشنبه ۳ آبان ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۸۹۷
قیمت **۵۰۰۰ تومان**

دشمن صبح



جاسوس‌هایی باکت و دامن

درباره سفرای زن آمریکا در منطقه و بزرگترین جاسوس جنگ جهانی دوم

در بسته آخر هفته بخوانید:

● گولت را بخورم فناری!

شوخی‌ها و طنزهای شبکه‌های مجازی هفته

● سرنوشت عجیب نسل سوم

درباره هفت بازپگری که در دهه هشتاد درخشیدند

و حالا به کنج عزلت خزیده‌اند

● مرادستگیر نکنید لطفا

یادداشت‌هایی از ابراهیم افشار، نادر نامدار، محمد طالبیان، حمید رستمی و مهدی افخمی

● ایران به رونالدو نمی‌سازد

فوق‌ستاره فوتبال جهان در مصاف با تیم‌های ایرانی عملکرد درخشانی نداشته است

الکل چطور ۱۷ کرجی راکشت؟

ماجرای فروش متانول در یک کارخانه اسپری مو شروع شد و به یک فروشگاه تجهیزات پزشکی رسید؛ دو نفر از چهار متهم اصلی تحصیلات دانشگاهی داشتند

سوم الکل‌های بازار، آن را می‌فروختند. متانول‌ها را داخل گالون می‌ریختند و با برچسب «محلول ضد عفونی‌کننده حاوی ۹۶ درصد اتانول» می‌فروختند.

۲۱ در ردیف چهارم، الکل به دست یک فروشنده می‌رسید. کسی که فروشگاه تجهیزات پزشکی داشته ولی در کنار کار خود، مشروبات الکلی هم درست می‌کرد. او در جست‌وجوی اتانول بوده که با این افراد آشنا می‌شود. این مغازه‌دار همان توزیع‌کننده اصلی الکل‌های سسی است. قوه‌قضائیه می‌گوید که او هم گفته که این الکل برای مصارف بهداشتی خریده شده بود اما بررسی پیامک‌های موبایل او نشان می‌دهد که ماجرا بیشتر از این حرف‌هاست و این فرد تحصیلکرده، فروشنده الکل بوده.

۴۱ از اینجا به بعد، هفت متهم دیگر به پرونده اضافه می‌شوند. هفت نفر که کارشان این بوده که مشروب رازز مرد فروشنده تجهیزات لوازم پزشکی بخرند و به آن آب و اساس اضافه کنند. یعنی آنها الکلی که تقلبی بوده، با آب قاطی کردند تا از ناخالصی دربیابند و بتوانند با سود بیشتری به عنوان الکل خالص بفروشند. آنها مجموعاً به ۲۹ سال حبس محکوم شدند و متهمان قبلی، دیروز اعدام شدند.

خبر دو

آغاز هشدار مصرف گاز

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اشاره به کاهش ۱۲ درصدی گاز، این کاهش دما، افزایش حدود ۶۰ تا ۷۰ میلیون مترمکعبی گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع غیرعمده را در پی خواهد داشت. سعید توکلی گفت: پیامد این سرما و آغاز زودهنگام زمستان در نخستین روزهای آبان امسال، روشن کردن وسایل گرمایشی در اکثر استان‌هایی است که به ناگذا، با کاهش ۱۲ درصدی میانگین وزنی دما روبه‌رو شده‌اند. معاون وزیر نفت در امور گاز با بیان این که شرایط امسال، شرایط بسیار سخت و حساسی است، ادامه داد: برای مدیریت درست این وضع، باید نهایت هماهنگی با مدیریت دیسپچینگ شرکت ملی گاز برای گازسانی به نیروگاه‌ها و صنایع انجام شود. توکلی خط قرمز شرکت ملی گاز ایران در بحث گازسانی را همانند هر سال، پخش خانگی اعلام کرد.

است، ارائه می‌کردند. اینطور که یکی از متهمان برای قوه‌قضائیه تعریف کرده، نام این فرد، آقای میرهادی بوده. کسی که الکل آن ارزان‌تر از بازار بود و در واقع متانول را به جای اتانول می‌فروخت.

۲۲ نفر بعدی تولیدکننده لوازم آرایشی بهداشتی بودند. همان فردی که در دانشگاه شیمی خوانده و به عنوان کارشناس آزمایشگاه فعالیت می‌کرد. این فرد هشت هزار لیتر الکل اتانول سفارش می‌دهد که با آنها مشروب درست کند. او الکل را می‌بیند و به برگه آزمایش تقلبی نگاه می‌کند. همان‌جا متوجه تقلبی بودن این آزمایش‌ها می‌شود و یک نمونه از آن را برای تست به آزمایشگاه می‌دهد. به فروشنده پیامی ارسال می‌کند و می‌گوید که این‌ها الکل صنعتی‌اند. حتی معترف می‌شود که این الکل می‌تواند مردم را بکشد. با این حال، طبق آنچه در خبرگزاری میزان منتشر شده، قبل از اینکه جواب آزمایشگاه بیاید به همراه یک نفر این شرکت سهمیه الکل داشت ولی سهمیه خود را غیرقانونی از شبکه خارج می‌کرد. الکل در مراحل بعدی با آب و اساس مخلوط می‌شد. آنها باید «الکل اتانول» را برای مصارف بهداشتی عرضه می‌کردند، اما «الکل متانول» صنعتی و سمی را برای تهیه مشروبات الکلی می‌فروختند و حتی برای فریب خریدار، برگه آنالیز جعلی که نشان‌دهنده «اتانول» بودن الکل بوده

خبر یک

جزئیات افزایش تا ۴۵ درصدی حقوق اعلام شد

سخنگوی ستاد بودجه سازمان برنامه و بودجه گفت: ضریب افزایش حقوق کارکنان دولت در سال ۱۴۰۴ طبق قانون جوانی جمعیت محاسبه می‌شود که حداقل ضریب افزایش ۲۰ درصد و حداکثر آن ۴۵ درصد است. مژگان خاتلمو در توضیح متوسط افزایش نظام‌های پرداخت کارکنان دولت و ابهامات پیرامون آن اظهار کرد: طبق اعتبارات پیش‌بینی شده در لایحه بودجه ۱۴۰۴، متوسط افزایش نظام‌های پرداخت در کارکنان ۲۸ درصد است.

وی در گفت‌وگو با مهر افزود: ضریب افزایش حقوق کارکنان ۲۰ درصد است اما به موجب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، آنچه در بودجه ۱۴۰۴ لحاظ شده به این شکل است که با توجه به افزایش عائلهمندی افراد این ضریب روی احکام پر سنسلی کارکنان تأثیر

ستاره‌های پای درس نوری

بازار کنفرانس‌ها و کارگاه‌های سینمایی و ادبی این روزها در تهران داغ است

نگین باقری | نام‌های بزرگ سینمای ایران و ترکیه دو روز آخر مهر ماه در تالار هتل آزادی تهران روی صحنه رفتند. نه برای بازی، نه برای جایزه و حتی نه برای یک سخنرانی ساده بلکه برای برگزاری یک کلاس که در تبلیغاتش به نام «مستر کلاس» معرفی شده. در این مستر کلاس «نوری بیلگه جیلان» از سینمای ترکیه حضور داشت. کارگردان مهمی که بین ایرانی‌های سینمادوست مشهور است. از قضا از ابتدای امسال یک موسسه دیگر مستر کلاس دیگری در حوزه ادبیات برگزار کرده بود. اگر در اولی بیلگه جیلان و ستاره‌های ایرانی حضور داشتند، در دومی «استیو تولتز»، مهمان مهم خارجی برنامه بود؛ و طلا شناخته می‌شود «جزء از کل» که تا امروز بیشتر از ۸۵ بار در ایران تجدید چاپ شده. همین هفته پیش هم یک مستر کلاس دیگر با حضور پنج کارگردان مهم کشور برگزار شده بود.

برگردیم به روز یکشنبه و دوشنبه. مدیر برگزاری این مستر کلاس مستانه مهاجر، تدوینگر مشهور بوده. او یک برنامه دوازده‌روزه با حضور ۴ مدرس برگزار کرد که مخاطبان آن با ۱۵ میلیون تومان می‌توانستند در کلاسی که سخنرانان آن نوری بیلگه جیلان، پرویز شهبازی، سلیم اوجی و پارسا پیروزفر هستند شرکت کنند. جیلان کارگردان شهیر سینمای ترکیه و برنده نخل طلای کن است. شهبازی، نویسنده و کارگردان صاحب نام ایرانی است که با فیلم‌های نفس عمیق، عیار و ۱۴ و طلا شناخته می‌شود. اوجی کارگردان سینمای مستقل ترکیه و پیروزفر هم که بازیگر مشهور سینمای ایران است.

همان‌ها که بودند؟

حضور برای همه آزاد بود و بلیت آن را می‌شد از وبسایت ایران تیکت خرید. خبرنگارها، دانشجویان، هنرچوها و بازیگران مهمان‌های این مراسم بودند که کنار هم دیگر نشستند. تصاویر این دو شب خیلی زود منتشر شد و عکس‌های سوپرستاره‌های سینما زودتر از هر جزئیات دیگری به اکسپلورر اینستاگرام فارسی رسید. احتمالاً این عکس‌ها روی فرش قرمز هتل آزادی چیزی بود که مستر کلاس سینما را بیشتر جلوی چشم‌ها آورد. سحر دولتشاهی، نوید محمدزاده، الناز شاکردوست، پارسا پیروزفر و فرشته حسینی بیشتر از همه توجه عکاس‌ها را سمت خودشان جلب کردند. نام‌های بزرگی که جاذبه مغناطیسی حضور بیلگه جیلان آنها را به هتل آزادی کشانده بود. بهمن فرمان‌آرا، حامد کیمیلی، محمدرضا شریفی‌نیا، مانی حقیقی، بایرام فضلی، نفس بازغی، گلاره کیازند، فرشته صدعرفایی، مرجان شیرمحمدی، هوشنگ گلمکانی و چهره‌های مشهور دیگری هم حضور داشتند. آمدن نوری بیلگه جیلان برای سینمادوست‌ها اتفاق مهمی محسوب می‌شود. اما ناگاهی به فضای اینستاگرام سینمای ایران در این دو روز نشان می‌دهد که تا اینجا کار حضور این کارگردان بزرگ در حاشیه قرار گرفته و بیشتر از او، این ستاره‌های سینمای ایران بودند که توجه‌ها را به خودشان جلب کردند و موتور بلاگرهای مد و فشن و جراحان زیبایی را برای تحلیل و بررسی روشن کردند.

برنامه چطور بود؟

در مستر کلاس شکوه سینما سخنران‌ها اول خودشان را معرفی کردند و توضیحی درباره آثار خودشان می‌دادند و سپس درباره فاکتورهای مهم آثار خودشان حرف می‌زدند. بعد هم که نوبت به مرحله پرسش و پاسخ می‌رسید. هر گفت و گو بین دو تا سه ساعت تمام می‌شد. بعد از این یک یادبود برای عباس کیارستمی برگزار شد که در آن بخش‌هایی از دو فیلم را نمایش دادند. یکی از این فیلم‌ها «کیارستمی و عصای گمشده» و دیگری «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» بود. دلیل آن هم شخص است. حال و هوای آثار نوری بیلگه جیلان شباهت زیادی به سینمای کیارستمی دارد. از حواشی این رویداد فعلاً همین اطلاعات در توییت‌ر منتشر شده که دو روز پیش این کارگردان ترک به شهرک سینمایی نور رفته و دیروز به لوکیشن فیلم درخت زیتون عباس کیارستمی سر زده. **ادامه در صفحه ۳۰**



@news paper 7 sobh

کانال تلگرام هفت صبح طعم دیگری دارد

به تلگرام هفت صبح بپیوندید.

زود باشید



دستور زبان عشق

یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش

بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را

هفت صبحِ روزنامه‌فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم /شماره ۱۲۸۹۷/پنجشنبه ۳ آبان ۱۴۰۲
صاحب‌امتیاز: شرکت هفت صبح‌ماندگار
مدیر عامل: علی‌مزنانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

توفیق اجباری برای تبریزی‌ها

درباره تراکتور و تهران و پنجشنبه‌ها

۱ تراکتور بازم آبروداری کرد. تبریزی‌ها هروقت از خانه و از ورزشگاه پرشور و حال یادگار امام در شهرشان فاصله می‌گیرند به یک نسخه آسیایی از رُسال مادرید بدل می‌شوند. آنها همه بازی‌های خراج از خانه را می‌برند و در تری‌پز شکست می‌خورند. همه امتیازاتی که تراکتور چه در آسیا و چه در لیگ از دست داده در تبریز بوده است. محرومیت میزبانی در آسیا می‌تواند یک توفیق اجباری باشد و تراکتور را در حد یک مدعی



دنده عقب

اشکان عقلی‌پور

خب رفقا! این سستون وزین از این به بعد وارد مرحله جدیدی از زیست خود میشه که حالا عرض می‌کنم چرا و چگونه.

یکی از مخاطبین عزیز این ستون سوالی داشته که به دفتر روزنامه ایمیل کرده و بنده ضمن این که به همه شما بزرگواران عرض می‌کنم اگر هر گونه مشکل لانچینل در زندگی دارین، با من مطرح کنین تا در چند خط حل کنم بره پی کارش و بنده رو دعا بفرمایین، به مشکل این هموطن می‌پردازم.

بزرگوار فرموده‌اند که بنسده در مواجهه با آشنایانی که در خیابان می‌بینم و اصلا تمایل به معاشرت باهاشان ندارم یا در اون لحظه حداقل اعصابش رو ندارم چه می‌کنم. در حقیقت جمله‌ای که در پس این سوال وجود داره، اینه که ایشون بارها و بارها گیر این جور آدم‌ها افتاده نم وی‌دونسته چیکار کنه و الان هم نیاز به کمک داره که همانا رسالت این ستون، همینه. بسیار خوب... هموطنان عزیزم دقت بفرمایین. در این روزها اساسا هیچ کس حوصله هیچکس رو نداره. یعنی در حقیقت کسی حوصله خود ما رو هم نداره. یعنی خود ما هم سوژه دیدگان هستیم که البته باعث بسی خوشبینیه، چون این بدان معناست که اونها هم دارن از دست ما درمیرن.

ولی حالا ما فرض رو بر این می‌گذاریم که ما خیلی خوبیم و بقیه بدن. لـذا اولین قدم اینه

داستان سه جزیره

این روزها بحث سه جزیره داغ شده است. بگذارید ماجرا را خلاصه مرور کنیم: سه جزیره خلیج فارس همیشه در ید ایران بوده. اما منازعات دقیقاً به خاطر حضور انگلیس در منطقه ایجاد شد. وقتی که بعد از جنگ جهانی اول انگلیسی‌ها بر کشورهای خلیج فارس به عنوان ماترک امپراطوری از هم گسیخته عثمانی مسلط شدند و این سه جزیره را نیز به تصرف خود درآوردند. انگلیسی‌ها خود را به عنوان ارباب دریاها می‌شناختند و قاعداً هر جزیره‌ای را مایملک خود می‌دانستند. در دوران حکمرانی انگلیسی‌ها بر حاشیه خلیج فارس، جزیره ابوموسی تحت حاکمیت نشین شارجه قرار گرفت و تنب کوچک و بزرگ تحت قیومیت راس الخیمه، خود شارجه و راس الخیمه هم تحت حاکمیت افسران انگلیسی بودند. وقتی انگلیسی‌ها در

اواخر دهه شصت میلادی تصمیم گرفتند دل از خلیج فارس بکنند دو سه تا مسئله مهم داشتند. یکی جزیره و دیگری جزایر سه گانه. در دربار ایران مشخص شد که حکومت به لحاظ نظامی و سوق الجیشی سه جزیره را می‌خواهد اما حوصله در دسرهای منطقه بحرین را ندارد.
خب تاریخ ثابت کرد که از دست دادن بحرین چه اشتباه بزرگی بوده. به عنوان یک کشور کوچک نفتی با معادن بزرگ آلومینیوم و یک جمعیت قابل توجه شیعه ولی خب محمدرضا در هیجان گرفتن سه جزیره استراتژیک به راهکار مثلاً دموکراتیک سازمان ملل تن داد و در یک همه پرسی و جدا شدن، بحرین از ایران در سال ۱۳۵۰ جدا می‌شود. علم در خاطر اتش از این بده و بستان این گونه یاد می‌کند: «... بعداز ظهر با سفیر انگلیس ملاقات داشتم. در خصوص بحرین و جزایر خلیج فارس بود. خلاصه اینکه ما می‌گوییم اگر مسئله بده حل شود، باید دولت ایران به دست

و تنب که مال ماست به ما بر گردد. سفیر می‌گفت این دو مطلب باهم بستگی ندارند. به عقیده او جزایر تنب را می‌توانیم به آسانی بگیریم، ولی ابوموسی حرف دیگری است. زیرا خیلی به ساحل عربستان نزدیک است. گفتیم نزدیکی به ساحل که تولید کرد برای آن‌ها و سلب حق از ما نمی‌کند و به هرحال شاهنشاه دست بر نمی‌دارند. گفت، در کادر طرقداری از فدراسیون، پس از حل مسئله بحرین، ممکن

پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم

بَيْتُ لَاصِبِيانَ فِيهِ لَا يَرُكُّهُ فَيَه

خانه‌ای که کودک در آن نباشد، برکت ندارد.

محمدعلی بهمنی

و کلا را بـه مجموعه مطالب روز پنجشنبه و آخر هفته اضافه کردیم. یعنی یک نقل و انتقال بزرگ از روز دوشنبه به پنجشنبه.

۲ دیروز جلسه‌ای داشتیم در بلندترین نقطه مسکونی تهران. در شمالشرق این شهر. از آنجا به این شهر زیانگاه می‌کردم که در بازی نور و سایه و ابر در هوای مطبوع ظهرگاهی دوم آبان، یله داده بود. از خداوند می‌خواهم آرامش مردمان خوب این شهر برهم نخورد.
۳ از امروز صفحه پر طرفدار باشگاه

که اساسا وقتی پای مبارک روزا خونه میذارین بیرون بنا رو بر این بگذارین که یکی قراره آویزونتون بشه بنابرین از همون بیخ ماجرا، سفت بگیرین. چجوری؟ عرض می‌کنم. از همون در خونه به کلاه بکشین سرتون تا روی گوش‌ها و به دونه عینک آفتابی هم لطف کنین بزنین و به مانند سارقان بزرگ‌واری به دنیال یک لقمه حلال از خونه میزنن بیرون، استتار بفرمایین. اگر هم کلاه و عینک ندارین، ابتیاع بفرمایین که از نون شب واجب تره. اعصابمون رو که از سر راه نیاوردیم. عرضم اینه که استارتون رو جوری انجام بدین که والده محترمه‌تون هم شما رو نشناسه.

اگر به هر دلیلی، توانایی استتار ندارین، مثلاً هوا ابریه و اگر عینک بزنین، به مجنون تشابه پیدا می‌کنین و رسماً نقض غرض میشه و بیشتر رو چشم میایین، باید در هنگام تردد یک مسئله بسیار مهم که حاوی دو نکته متناقض هست رو رعایت بفرمایین. به این صورت که در عین حال که ظاهرتون باید به جور باشه که انکار از هفت دولت آزادین و اصلا حواسـتون به جای دیگه‌ست، ولی باید شش‌دنگ، دور و بر رو ببایین و به محض رویت سوژه، در صورتی که براتون مسجل شد که طرف قصد انداختن قلاب رو داره و خودش نمیخواه شما رو بیچونه، دستورالعمل‌های بنده رو پشت سر هم به کار بندازین:

آرش خوشخو

در ۲۹ نوامبر یعنی در هشتم آذرماه ۱۳۵۰، اندکی پیش از پایان تحت‌الحاکمی بریتانیا و تشکیل امارات متحده عربی، ایران و شاره‌ج یادداشت تفاهمی برای اداره مشترک ابوموسی امضا کردند. بر اساس این تفاهم نامه، شارجه قرار بود یک ایستگاه پلیس محلی در ابوموسی داشته باشد و ایران طبق نقشه پیوسته شده به تفاهم نامه، نیروهای خود را در جزیره مستقر کند. ایران و شاره‌جه هر کدام باید در مناطق تعیین‌شده دارای نفوذ کامل می‌بودند و بر چم‌های آنها همچنان افزاشته می‌شد. این تفاهم نامه شامل توزیع برابر درآمدهای نفتی بود. در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱، صقر بن محمد القاسمی که با ایران توافق‌نامه‌ای امضا نکرده بود، در برابر نیروهای ایرانی که به جزایر تنب بزرگ و کوچک اعزام شده بودند، مقاومت کرد.

ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر ۲۹ نوامبر ۱۹۷۱، یک گروه از نیروهای مسلح ایران با حمایت نیروی دریایی جزایر تنب بزرگ و کوچک را تصرف کردند. در تنب بزرگ، نیروهای ایرانی به پلیس‌های مستقر در جزیره دستور پابین آوردن پرچم رأس‌الخیمه را دادند. سالم سهیل بن خمیس، یکی از شش پلیس مستقر در این ایستگاه، حاضر به انجام این کار نشد و با نیروهای ایرانی درگیر و کشته شد. پلیس رأس‌الخیمه نتیجه درگیری، چهار پلیس رأس‌الخیمه و سه سرباز ایرانی کشته شدند. پیکر افراد کشته شده در جزیره دفن شد و ساسکان را اسوار قایق‌های ماهیگیری کردند و به رأس‌الخیمه اخراج کردند. نیروی دریایی ایران کنترل این جزایر را با مقاومت اندکی که از سوی نیروهای پلیس عرب مستقر در آن‌جا صورت گرفته بود، به دست گرفت.



خونریزی و بحران است.

منتخب

واکوه‌های انتظار

این پرده را کنار بزن تا ببینمت/بی پرده...

در تمام‌زوا/یا، ببینمت!

نهج الفصاحه ص ۳۷۴، ج ۱۰۹۶

باز نشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با اجازه کتبی مجاز است. در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

سایت نگار

عاقبت درخواست مبینا، میخ کفش هاجر، هزینه‌های سرسام‌آور هادی

او در این مورد مدعی شد: آنها توان تامین پول اعزام را نداشتند. از باشگاه‌ها درخواست پول کردند اما چون برای باشگاه‌ها ارزش قائل نشدند، هیچ باشگاهی حاضر نشد به آنها پول بدهد تا صحرانوردی را اعزام کنند.

شیرقوی مدعی شد: دبیر فدراسیون دوومیدانی به من گفت باشگاه کارا ماشین یک میلیارد و نیم به ما بدهد تا تیم را اعزام کنیم اما گفتم ۲۲ میلیارد برای لیگ و دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان هم برای اختتامیه هزینه کردیم اما فدراسیون در سایت رسمی خودش یک خسته نباشید هم به باشگاه نگفت، ما نمی‌دهیم. شما که می‌گفتید احسان حدادی سوت بزند میلیارد‌ها تومان پول اینجا می‌ریزد چطور برای صحرانوردی عاجز هستید؟ شیرقوی با بیان اینکه وزارت ورزش باید هر چه سریع‌تر جوابگوی خانواده دوومیدانی باشد، ادامه داد: احسان حدادی از روزی که آمده حقوق قهرمانان را قطع کرده است. او با اعزام نکردن به مسابقات آسیایی، دوی صحرانوردی را نابود کرد. ورزشکاران با نان و پنیر و آبگوشت، ۲۰ سال است خون دل خورده و کارگری کرده‌اند تا به تیم ملی برسند اما به آنها هم رحم نکرد.

❖ قطر لایر این اولین هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۷۷ دنیا را با استارت‌لینک به اینترنت وصل کرد و برای تست دستیابی به اینترنت مدیر عامل قطر ایر در پرواز دوحه لندن با ایلان ماسک تماس تصویری گرفت!

❖ تادو ماه دیگر ۱۲ هواپیمای ایر این‌لین به اینترنت مجهز می‌شوند و مسافران می‌توانند حین پرواز از اینترنت پر سرعت استفاده کنند!

❖ **عبدالرضا داری، فعال رسانه‌ای با انتشار بخشی از صحبت‌های محمد مهدی میرباقری نوشت:** در تگرش بنیادگرایانه «محمد مهدی میرباقری»، تحصیل و اشتغال زنان، علت اصلی «بی‌حجابی زنان» در کشور است که باعث می‌شود، زنان «زیر بار حرف روحانیت» نروند و به همین دلیل توصیه می‌کند، نظام به جای مبارزه با «بی‌حجابی زنان» باید علت اصلی آن، یعنی تحصیل و اشتغال زنان را تعطیل کند.

❖ بررسی‌های بلومبرگ نشان می‌دهد از زمان راه اندازی ChatGPT در نوامبر ۲۰۲۲ سرمایه‌گذاران ۸.۲ تریلیون دلار به ارزش بازار شش شرکت بزرگ فناوری اضافه کرده‌اند.
❖ در این میان شرکت‌های آلفابت، آمازون، اپل، متا، مایکروسافت و اوپیدا پیشتاز بوده‌اند. شرکت انودیدا به عنوان یکی از بزرگترین توسعه‌دهنده‌های تراشه‌های هوش مصنوعی در ماه ژوئن به بزرگترین شرکت جهان از نظر ارزش بازار تبدیل شد. OpenAI نیز در شش ماه گذشته بارشدی بیش از دو برابر، درآمد سالانه خود را به ۲.۴ میلیارد دلار رسانده است.
❖ درآمد مایکروسافت در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۴ با افزایش ۱۸ درصدی به دلیل رشد هوش مصنوعی به ۶۲ میلیارد دلار رسید.

❖ **تابناک نوشت:** هنوز چند صبح‌ای از ماجرای درخواست مبینا و انبوه همه‌جا علیه این درخواست و رد شدن آن نگذشته است که قهرمانان احتمالی المپیک دانش آموزی، وعده استخدام از دولت و وزیر آموزش و پرورش می‌گیرند. پس می‌توان گفت مبینا حق داشت و حق دارد که در چنین اشفته بازاری، حداقل، درخواستش را مطرح کند و با پاسخ تند و همه‌جا مواجه نشود. آن هم وقتی که خواسته‌اش رد شده است.

حکایت مبینا نعمت‌زاده بعد از بازگشت از المپیک، حال گیری اساسی را حتماً برای این دختر جوان ایرانی رقم زد و او باید هزینه چند برابرِی به خاطر یک درخواست پرداخت می‌کرد.

از همان روزی که مبینا درخواستش را مطرح کرد، و بی‌رحمانه‌ترین همه‌ها علیه او آغاز شد، من نتوانستم با طوفان همه‌ها، نسبتی برقرار کنم. درخواست مبینا را زاویه نگاه شخصی‌ام، منطقی نبود، اما وقتی خود را در جایگاه و سن و سال مبینا قرار می‌دادم، طرح چنین خواسته‌ای را غیر معقول نمی‌نمیدم. در جامعه‌ای که غیر مدرک، کم‌خرید صندلی دانشگاه، مدرک جعلی و غیر معتبر، دانشگاه پولی و غیره و تبدیل به موضوع عادی و اعتبار آفرین شده و در شرایطی که سند شایستگی‌های انسانی برای رسیدن به درجات بالاتر در هر عرصه مرتبط و غیرمرتبط، صرفاً در مدرک گرفتن و آقا و خانم دکتر شدن‌ها خلاصه می‌شود، و در جامعه‌ای که قهرمان‌ها همچون سکانس آغزین فیلم اصغر فرهادی، به زحمت از پله‌های نیمه‌کاره بالایی روند و با رسیدن به بام ساختمان، به راحتی و ظرف چندثانیه، با آسان بر به پایین کشیده می‌شوند، چرا مبینا نگران آینده‌اش نباشد؟ که اگر نباشد، در اشتباهش است. چرا در پی استفاده از فرصتی نباشد که در آغاز جوانی‌اش و با تحمل سختی‌های بسیار، برایش مهیا شده است. امروز او قهرمان است و در همین قهرمانی‌اش، با طرح یک درخواست، هر چند غیر معمول، این قدر مورد همه‌قار می‌گیرد و به جای همه آنها که تخلفات گونه‌گون در همین حوزه یا حوزه‌های دیگر داشتند، حرف می‌شود. پس طبیعی است از آینده‌ای در آن روز، ورزش حرفه‌ای‌اش پایان می‌گیرد، و از آینده‌ای که دیگر در اوج نیست، بیشتر هراسناک باشد. در چنان روزگاری چگونه خواهد توانست در فراموشخانه‌های مدیران و افکار عمومی، زندگی مناسب و متناسبی داشته باشد؟

اصلا همه این‌ها به کنسار، در جامعه‌ای که هنوز چند ماه از ماجرای درخواست مبینا و همه‌جا علیه او نمی‌گذرد، وزیر آموزش و پرورش دولت پزشکیان، وعده‌ورود به دانشگاه و استخدام به قهرمانان احتمالی مسابقات المپیک دانش آموزی ۲۰۲۴ می‌دهد چرا مبینا نباید چیزی از این روند نایلیموخته باشد؟

تا مرحله ورود به دانشگاه و رشته تربیت بدنی، جای توجیه قانونی دارد. اما ورود به دانشگاه فرهنگیان به منزله استخدام در رشته دبیری نیز است و چرا درباره این دانش آموزان چنین وعده‌ای از سوی آقای وزیر داده شود؟

❖ هاجر صف‌زاده نایب قهرمان پارالمپیک پاریس پس از گذشت قریب به ۲ ماه پرده از ناکامی‌اش در رقابت‌های پارالمپیک پاریس برداشت.

صف‌زاده به گم شدن میخ‌های کفشش در پاریس اشاره کرد و افزود: در پارالمپیک پاریس زمانی که در دوی ۴۰۰ متر مدال نقره کسب کردم تلاشم بر این بود که در دوی ۲۰۰ متر نیز با توجه به ارتقای رکوردی که نسبت به بازی‌های پارآسیایی هانگژو چین و مسابقات جهانی داشتم به مدال دست پیدا کنم اما هنگام مسابقه دوی ۲۰۰ متر با اتفاق عجیبی مواجه شدم و آن این بود که درست زمانی که خود را برای مسابقه ۲۰۰ متر آماده می‌کردم متوجه شدم که ۳ تا میخ‌های کفش پای چپم نیست که برای خودم تعجب آور بود. این میخ‌ها با آچار بسته می‌شود و به راحتی امکان شل و پام گم شدن آن‌ها وجود ندارد.

وی گفت: با همین کفش‌ها در مسابقات دوی ۴۰۰ متر شرکت کردم و مدال نقره گرفتم حتی در مرحله مقدماتی و نیمه نهایی دوی ۲۰۰ متر شرکت کردم و میخ‌های کفشم سر جایش بود اما هنگامی که خود را برای مسابقات فینال دوی ۲۰۰ متر آماده می‌کردم تازه متوجه شدم که میخ‌های کفشم سر جایش نیستند و کاری هم نمی‌شد انجام داد و مجبور شدم با همان شرایط در مسابقات شرکت کنم و چهارم شدم. قطعاً اگر چنین اتفاقی رخ نمی‌داد به مدال دست پیدا می‌کردم و خودم را برای مدال آماده کرده بودم. این اتفاق سبب شد تا از نظر روحی و روانی کاملاً به هم بریزم و شرایط خوبی برای مسابقه نداشتم.

❖ **معصومه ابتکار رئیس سازمان محیط زیست در دولت روحانی نوشته است:**

❖ دکتر کوثر پدر علم آبخوان داری بود. او فنون محافظت از منابع آب‌های زیرزمینی را سال‌ها آموزش داد و اجرا کرد. رویکردی که می‌تواند نجات بخش ایران باشد. او عمر خویش را وقف آموزش و ترویج کشاورزی سازگار با محیط زیست کرد، چیزی که می‌تواند کوثر و خیر کثیر برای ایران باشد.

❖ شکیرا با اظهارات اخیر بیکه پاسخ قاطعانه‌ای داد و گفت، نمی‌دانست که او چنین شخصیتی دارد.

این خواننده در یک مصاحبه با مجله «GQ» به بیان احساسات خود در مورد همسر سابقش پرداخت. تقریباً دو سال و نیم پس از آنکه خبر جدایی شکیرا و جرارد بیکه بعد از بیش از ۱۲ سال زندگی مشترک منتشر شد، بازیکن سابق بارسلونا تصمیم گرفت چند روز پیش سکوت خود را بشکند.

به گزارش ورزش سه، پس از جدایی، بیکه با نامزدش کلرا چپا، دیده شد و همین موضوع شایعاتی را درباره اینکه علت جدایی آنها خیانت بوده، دامن زد.

بیکه در این باره گفت: «همیشه اعتقاد داشتم که بهتر است در نهایت در کنار عزیزانم، خانواده‌ام، دوستانم و کسانی که واقعا مرا می‌شناسند و می‌دانند که چگونه هستم و چه کار می‌کنم، باشم و این برام آرامش زیادی به ارمغان می‌آورد. کاملاً درک می‌کنم که هر کسی ممکن است نظر خاص خود را داشته باشد و بسیاری از افرادی که مرا نمی‌شناسند در مورد من جور دیگری فکر می‌کنند. آزادی بیان وجود دارد و هر کسی حق دارد نظر خود را بگوید.» اما برخی از اظهارات بیکه به خوبی بر شکیرا تاثیر نگذاشت. او در مصاحبه‌اش گفت: «متوجه شدم که دوستی از عشق پایدارتر است. من نمی‌دانستم که او این‌طور است. زندگی شوهرم را از من گرفت، اما دوستان زیادی به من داد.»

❖ نسخه ترکی سریال ایرانی «شهرزاد» توسط سازندگان «حريم سلطان» در ترکیه ساخته می‌شود.

به گزارش خبرآنلاین، بر اساس شنیده‌ها حضور اسماعیل حاجی‌اوغلو برای بازی در ورژن ترکیه‌ای سریال شهرزاد تأیید شده است.

با گولسیم علی، دیلان نیز و سیمای بارلاس برای نقش شهرزاد مذاکره شده است.

این بازیگر مشهور ترکیکی از نقش‌های اصلی سریال را برعهده دارد و به احتمال زیاد نقش فرهاد یا قباد را در نسخه جدید سریال شهرزاد ایفا می‌کند.

هنوز بازیگر نقش فرهاد مشخص نشده است.



❖ زندگی صادق

هدایت همواره محل خیال‌پردازی کاربران اینترنت بوده. از تلاش برای یافتن معشوقه‌ای در زندگی او تا گمانه‌زنی‌ها درباره مرگ‌اش. تاکنون تنهاعکسی که از معشوقه هدایت منتشر شده این

عکس بوده که او را در کنار زنی به نام ترز نشان می‌دهد.

خسرو سینایی و حبیب احمدزاده در مستند داستانی گفت‌وگو با سایه ادعا می‌کنند خودکشی او هدایت به‌خاطر ناکامی‌های عاطفی‌اش بوده که به همین زن مربوط می‌شده. سینایی بعداً گفت هدایت اگر در ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ ترز را می‌دید احتمالاً در تصمیمش تردید می‌کرد یا آن را عقب می‌انداخت.

حالا کاربری در توییتر ادعا کرده این عکس، سلف‌تره‌ای از هدایت و معشوقه فرانسوی‌اش است و هدایت سبیلش را به خاطر این زن تراشیده. ادعایی که جز خیالات گوینده آن نیست. صاحب اصلی این عکس نقاشی لسناتی است که اندره روبلوسکی نام دارد که در این تصویر کنار همسرش دیده می‌شود. او گرچه شباهت زیادی به هدایت دارد اما هیچ ربطی به او پیدا نمی‌کند.

نوشتن درباره آدم‌ها روی عکس‌های اشتباهی تازه‌گی ندارد پیش از این هم این عکس از ملکه صربستان به عنوان تصویری از انیس‌الدوله یا تاج‌السلطنه یا جیران جازده شده بود. درحالی که صاحب اصلی‌اش ناتالیا اوپرنوویچ نام دارد و همسر میلان یکم است نه نوالدین شاه.

در شرایطی که ابزارهای هوش مصنوعی هم به سایر ابزارهای شناسایی تصاویر اضافه شده همچنان این دست ادعاها بدون راستی آزمایی پذیرفته و منتشر می‌شوند.

❖ **شرق:** هادی چوپان، که دو سال پیش توانسته بود برای اولین بار عنوان ساندو یا قهرمانی را در این رقابت به دست بیاورد، در ادامه به عنوان دومی بسنده کرده. هر چند درست مثل سال گذشته امسال هم عده‌ای از این می‌گویند که حقش خورده شده و باید به عنوان نفر اول معرفی می‌شد، اما هرچه بود او پایین‌تر از سمسون داوودا نیجریه‌ای و بالاتر از درک لاسفورد به عنوان نایب‌قهرمانی رسید. هادی فرصت بزرگی را از دست داد. این موضوع منهای افتخاری است که می‌توانست مقام اولی برایش به همراه داشته باشد؛ چراکه با عنوان دومی، چند صد هزار دلار هم از چنگش برید. جایزه نفر اول این دوره از رقابت‌ها با چوینی ۲۰۰ هزار دلاری به ۶۰۰ هزار دلار رسید. حالا با نوسان نرخ ارز در ایران می‌توان حدس زد که اگر این ۶۰۰ هزار دلار یکجا به هادی می‌رسید، چه تحول مهمی در دوران حرفه‌ای‌اش رقم می‌خورد. البته او اسامال هم بی‌نصيب نماند؛ چراکه پاداش نفر دوم هم افزایش پیدا کرده بود و این بار به ۲۵۰ هزار دلار رسیده بود. این همان جایزه‌ای است که هادی پس از عنوان دومی آن را کسب کرد. تبدیل این رقم به تومان آن هم با نرخ این روزها، نشان می‌دهد که گرگ پاریسی پاداشی نزدیک به ۱۵ میلیارد تومان به جیب زده است. ... مسئله اینجاست که آیا این ۱۵ میلیارد تومان سودی هم برای هادی چوپان دارد؟ برای روشن‌تر شدن این موضوع کافی است به اولین سالی که هادی توانست عنوان سومی این رقابت‌ها را به دست بیاورد رجوع کرد. او آن سال توانست ۱۰۰ هزار دلار پاداش بگیرد. با این حال قسمت تلخ داستان جایی بود که مجبور شده بود برای رسیدن به این مسابقات و هزینه‌ای که برای بدش کرده، معادل ۱۵ هزار دلار خرج کند. مشخص است که او آن سال علاوه‌بر فروختن ماشین شخصی‌اش روی به گرفتن وام و قرض آورده بود تا بتواند به لاس‌وگاس برسد. یکی دو سال بعدتر هم او یک بار جایزه ۴۰۰ هزار دلاری نفر اول و سال پیش هم جایزه ۱۵۰ هزار دلاری نفر دوم را کسب کرد. بدیهی است که با افزایش هزینه‌ها، حتی ۱۵۰ هزار دلاری که او پاداش گرفته هم نمی‌تواند برایش آورده مهمی به شمار برود. با این حال، شرایط برای هادی چوپان چندسالی می‌شود که دگرگون شده و حالا شاید بتوان از این گفت که او دیگر حداقل ضرری نمی‌کند. می‌توان این موضوع را با استناد به بخشی از صحبت‌هایی که خودش که یکی دو سال پیش مطرح کرده بود پیش برد و کنار پاداش کنونی‌اش گذاشت. هادی در این دوره رقمی نزدیک به ۱۵ میلیارد تومان پاداش گرفته؛ یکی دو سال قبل هم گفته بود هزینه بدنسازي حرفه‌ای در ایران روزانه سه میلیون تومان و ماهانه ۲۰ میلیون تومان است. پس حتی اگر این عدد با ضریب مشخصی و با در نظر گرفتن تورم هم رشد کرده باشد، باز به ۱۵ میلیارد تومانی که پاداش گرفته نمی‌رسد یا اینکه در بدترین حالت ممکن به آن نزدیک می‌شود. به دور از انصاف است که این مورد به‌تنهایی لحاظ شود. بدیهی است که زندگی برای هادی چوپان و خانواده‌اش فقط خرج بدنسازی نیست و او هزینه‌های دیگری هم به‌ویژه با داشتن دو فرزند دارد. پس با در نظر گرفتن این مورد، دخل‌وخرج هادی چوپان با استناد به همین تک مسابقه مسترالمپیا چندان هم خوادنی ندارد.

❖ **حسن شیرقوی مربی سابق تیم ملی صحرانوردی در مورد لغو اعزام تیم ملی به فهرمانی آسیا به ایستا گفت:** صحرانوردی همیشه اعزام داشته اما آقای احسان حدادی محبت کرده و فکر کنم یک ناواری از آمریکا آورده که اردوها و مسابقات را انو کرده است!

چینی‌های سامانه که کمی بهتر هستند

بررسی ۶ خودروی وارداتی از خاور دور به لحاظ قیمت و کیفیت

سجاد کجوری | سامانه یکپارچه خودروهای وارداتی از چهارشنبه دوم آبان ماه به مدت شش روز و تا پایان روز دوشنبه هفتم آبان ماه جهت ثبت‌نام متقاضیانی که حساب خود را تا روز شنبه پنجم آبان ماه به نام خودروهای وارداتی وکالتی کرده و وجه مورد نظر را در آن مسدود می‌کنند، فعال خواهد بود. متقاضیان در این مرحله امکان انتخاب ۵ اولویت از بین ۲۰ خودروی عرضه شده را خواهند داشت. در این دور از عرضه خودروهای وارداتی، متقاضیان پس از

لاماری ایما هیبرید HEV	قیمت فروش قطعی: یک میلیارد و ۶۸۰ میلیون
لاماری ایما هیبرید، از دو موتور بنزینی و برقی برای انتقال قدرت خود به چرخ‌ها استفاده می‌کند. قدرت موتور بنزینی ۱۶۸ اسب بخار یا ۲۸۰ نیوتن متر گشتاور و قدرت موتور برقی نیز معادل ۱۷۴ اسب بخار با گشتاور ۳۰۰ نیوتن متر است که توسط یک سیستم انتقال قدرت HEV به چرخ‌های خودرو منتقل می‌شود. ایما هیبرید با مصرف سوخت میانگین ۵ لیتر، از جمله معدود خودروهای کم‌مصرف بازار ایران است. لاماری ایما هیبرید تجهیزاتی مانند ۶ کیسه ایمنی هوا، سیستم ترمز ضد قفل، توزیع الکتریکی نیروی ترمز، ترمز پارک برقی، اتوهلد، سیستم کنترل پایداری الکترونیکی خودرو، کنترل خودرو در سرازیری،	کمکی شروع حرکت در سربالایی، سیستم کنترل کشش، سیستم ترمز کمکی، دوربین دید عقب، دوربین ثبت وقایع، پایش فشار باد تایرها و سنسور دنده عقب را در بخش ایمنی داراست. لاماری ایما HEV در بخش رفاهی، سانروف پانوراما، نمایشگر دیجیتالی ۱۰/۲۵ اینچی پشت فرمان، نمایشگر لمسی ۱۰/۲۵ اینچی برای سیستم

تانک ۳۰۰	قیمت فروش علی‌الحساب: دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون
تانک ۳۰۰ که محصول گریت‌وال موتور چین است، در واقع یک SUV سایز متوسط است که با طراحی جعبه‌گونه و مربعی و توانایی‌های آفرودی می‌تواند بسیار جذاب باشد. موتور تانک ۳۰۰ یک پیشرانه ۴ سیلندر خطی ۲ لیتری توربو شارژ با فناوری GDI است که می‌تواند روی هم رفته ۲۲۷ اسب بخار قدرت و ۳۸۷ نیوتن متر گشتاور را به تمامی چرخ‌ها منتقل کند. جعبه‌دنه مورد استفاده در تانک ۳۰۰ از نوع ۸ سرعته اتوماتیک AT ساخت کمپانی معروف ZF است. تانک ۳۰۰ دارای یک بنزین با ظرفیت ۸۰ لیتر است و مصرف سوخت آن به‌طور میانگین ۹/۹ لیتر به‌ازای هر ۱۰۰ کیلومتر است. ۶ کیسه هوای ۱۰ نقطه‌ای، سامانه کنترل پایداری، رادار	خط‌خوان، سامانه کنترل شروع حرکت در سربالایی، سامانه کنترل حرکت در سرازیری، سنسور پارک جلو و عقب، راندگی بین خطوط، دوربین ۳۶۰ درجه، فناوری LED چراغ‌ها، سامانه پایش فشار باد تایرها، تابلوخوان، کروز کنترل تطبیقی، سیستم کرال کنترل، صفحه پشت کیلومتر دیجیتال، نمایشگر لمسی سیستم مالتی مدیا،

جتا V5۷	قیمت فروش قطعی: دو میلیارد و ۷۶ میلیون و ۴۰۰ هزار
جتا V5۷ از یک موتور ۱/۴ لیتری توربو شارژ متعلق به گروه خودروسازی فولکس‌واگن استفاده می‌کند که ۱۴۸ اسب بخار قدرت و ۲۵۰ نیوتن متر گشتاور دارد. گیربکس از نوع اتوماتیک AT و ساخت آپسین است. طراحی ظاهری جتا V5۷ محافظه‌کارانه و به دور از حجم‌پردازی‌های عجیب صورت گرفته است. جلو پنجره سیاه‌رنگ شش ضلعی به همراه کاسه چراغ‌های تیره، همگی به خوبی توانسته‌اند با یکدیگر ادغام شوند. در نمای جانبی نیز رنگ‌های آلومینیومی ۱۸ اینچی و خطوط تیز بدنه، ظاهری جذاب به این خودرو بخشیده است. فضای داخلی جتا V5۷ پدیدار راحت است. صندلی‌های ایارد خودرو از جنس چرم مصنوعی هستند.	همچنین، فضای بار این خودرو نیز جادار است و می‌توان آن را با خواباندن صندلی‌های عقب افزایش داد. جتا V5۷ از امکانات رفاهی و ایمنی مناسبی نظیر سقف پانورامای برقی، دوربین ۳۶۰ درجه، تهویه اتوماتیک دو کاناله، گرم کن صندلی‌های جلو، صفحه پشت کیلومتر دیجیتال

بی‌وای‌دی سانگ پلاس	قیمت فروش قطعی: دو میلیارد و ۲۳۱ میلیون و ۱۵۰ هزار
بی‌وای‌دی (BYD) سانگ پلاس (song plus PHEV) نخستین محصول پلاگین هیبرید شرکت بی‌ام کارز محسوب می‌شود. این خودرو دارای یک موتور برقی و یک موتور بنزینی است که موتور بنزینی آن حداکثر ۱۰۹ اسب بخار و موتور برقی آن حداکثر توانایی تولید ۱۹۵ اسب بخار قدرت را دارد و حداکثر گشتاور موتور بنزینی این خودرو ۱۳۵ موتور برقی آن ۲۲۵ نیوتن متر است. مصرف سوخت سانگ پلاس با استاندارد NEDC ۴/۵ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است که مصرف سوخت پایینی را نشان می‌دهد. صندلی برقی راننده با قابلیت تنظیم در ۸ جهت به همراه	گرم‌کن و سردکن، صندلی برقی سرنشینان عقب با قابلیت تنظیم در ۴ جهت به همراه گرم‌کن و سردکن، نورپردازی محیطی داخل کابین مولتی‌کالر – ۳۱ رنگ (Ambient Lighting)، قابلیت راندگی با حالت‌های

جتا V5۵	قیمت فروش علی‌الحساب: یک میلیارد و ۶۲۰ میلیون
جتا وی‌اس ۵ (Jetta V5۵) یک کراس‌اوور کامپکت شهری است که توسط شرکت خودروسازی جتا در چین تولید می‌شود. این خودرو در سال ۲۰۱۹ معرفی شد و در حال حاضر در نسل اول خود قرار دارد. این کراس‌اوور در کشورمان توسط ماموت‌خودرو به فروش می‌رسد. جتا V5۵ با یک موتور ۱/۵ لیتری توربو شارژ عرضه می‌شود. این موتور ۱۴۸ اسب بخار قدرت و ۲۵۰ نیوتن متر گشتاور تولید می‌کند. موتور این محصول به یک گیربکس اتوماتیک ۶ سرعته متصل است که نیروی موتور را به چرخ‌های حرفه‌ای، تنظیم‌برقی صندلی‌های ردیف جلو، ترمز پارک برقی، اتوهلد، حالت‌های راندگی و سیستم تهویه اتوماتیک دو کاناله، مصرف سوخت ۷ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر است. جتا V5۵ از امکانات رفاهی و ایمنی بالایی	بهره‌می‌برد. برخی از این امکانات عبارتند از سانروف، صندلی‌های چرمی، سیستم تهویه مطبوع اتوماتیک دوکاناله، سیستم ورود بدون کلید، نمایشگر ۱۸ اینچی لمسی، سنسور باران، پاور ویندوز، پشت آمپر دیجیتال، گرم‌کن صندلی‌های جلو،

ام‌جی ۵	قیمت فروش علی‌الحساب: یک میلیارد و ۳۵۰ میلیون
ام‌جی ۵ (MG ۵) یک سدان خانوادگی است که قشر مخاطب آن مسلمانا خانواده‌ها هستند. این خودرو یک موتور ۴ سیلندر خطی تنفس طبیعی با حجم ۱/۵ لیتر دارد که توان خروجی آن ۱۱۸ اسب بخار و گشتاور تولیدی آن ۱۵۰ نیوتن متر است. گیربکس از نوع اتوماتیک	CVT است که نیروی تولیدی موتور را به چرخ‌های جلو منتقل می‌کند. از امکانات ایمنی آن می‌توان به سیستم پایداری الکترونیکی، کیسه‌های هوای ایمنی جلو و جانبی و پرده‌ای، فناوری Retrofit LED چراغ‌های جلو، دوربین عقب و دوربین ۳۶۰ درجه اشاره کرد.

و دکمه‌های کنترلی سفارشی روی کنسول مرکزی از دیگر ویژگی‌های کابین هستند. در کنار این‌ها باید گفت ۲۰۸ ریسینگ به معماری الکترونیکی ویژه مسابقات تجهیز شده تا تیم‌ها بتوانند به راحتی داده‌های مربوط به عملکرد خودرو در پیست را گردآوری و تحلیل کنند.

مشخصات فنی

موتور سه سیلندر توربو شارژ ۱/۳ لیتری پژو ۲۰۸ ریسینگ با بهینه‌سازی‌های صورت گرفته، ۱۴۳ اسب بخار قدرت تولید می‌کند. این رقم در مقایسه با خروجی مدل استاندارد ۴۴ اسب بخار بیشتر و در مقایسه با خروجی نسخه Rally۴

نیم کلاچ

اردبیهشت ۱۴۰۴ ایگل برقی به بازار می‌آید



معاون تحقیق توسعه کرمان‌موتور از تجاری‌سازی خودروی ایگل برقی در اردبیهشت ۱۴۰۴ خبر داد. ابوالفضل خلخالی در دومین رویداد فرصت‌های نوآوری و فناوری کرمان‌موتور با تشریح برنامه‌های توسعه‌ای کرمان‌موتور، گفت: در مجموعه کرمان‌موتور سه پلتفرم مدنظر قرار دارد که یکی از این پلتفرم‌ها KP۱ است که تولید سه محصول روی آن تعریف شده است. همچنین مگاپلتفرم KP۱ برای تولید خودروهای سسواری کوچک و متوسط و مگاپلتفرم KP۲ مخصوص خودروهای بزرگ مد نظر قرار دارد.وی افزود: روی پلتفرم PS۱ سه بدنه بدنه سدان، هاچ‌بک و سی‌وی‌وی تعریف شده و برای پلتفرم KP۱ نیز ۴ فرم بدنه سدان، هاچ‌بک، کوپه و MPV مد نظر قرار دارد. البته برای پلتفرم KP۲ نیز بدنه سدان، SUV و MPV تعریف شده است.وی ادامه داد: برای تأمین قطعات مورد نیاز تولید در کرمان‌موتور، سهم ۳۰ درصدی در واردات و سهم ۷۰ درصدی برای تولید داخل هدف‌گذاری شده و هم‌اکنون متوسط سهم ۴۰ درصدی داخلی‌سازی را دارا هستیم.معاون توسعه محصول کرمان‌موتور افزود: در پلتفرم PS۱ سهم ۶۸ درصدی داخلی‌سازی را داریم که در حال نزدیک شدن به بالای ۷۰ درصد است.وی در ادامه با اشاره به پیشرفت فیزیکی بالای ۷۵ درصدی در تولید نمونه خودروی ایگل بنزینی، گفت: یک محصول هاچ‌بک(شدد) روی پلتفرم PS۱ شهریور سال آینده برای ورود به بازار آماده می‌شود و تولید تجاری ایگل برقی نیز اردبیهشت ۱۴۰۴ روی همین پلتفرم آغاز خواهد شد.خلخالی تصریح کرد: تولید ایگل هیبریدی نیز در دستور کار قرار دارد که کاهش ۳۵ درصدی مصرف سوخت را به همراه دارد و تجاری‌سازی این خودرو اسفند ۱۴۰۴ صورت خواهد گرفت.وی افزود: روی پلتفرم KP۲ نیز محصول شاسی‌بلند KP۲۱ تعریف شده که شهریور ۱۴۰۵ به تولید آزمایشی می‌رسد.وی با بیان اینکه در زمینه تولید قوای محرکه بنزینی کم‌مصرف نیز تولید موتور ۱۵۰۰ سی‌سی با داخلی‌سازی ۷۰ درصدی انجام شده است، گفت: تا پایان برنامه هفتم توسعه یعنی سال ۱۴۰۷ به تولید سالانه ۵۰۰ هزار دستگاه خواهیم رسید که با کاهش ۲۷ درصدی مصرف سوخت و داخلی‌سازی ۷۰ درصدی همراه خواهد بود و علاوه بر این، انتشار گاز دی‌اکسیدکربن ۴۰ درصد کاهش می‌یابد و به ۱۰۵ گرم بر کیلومتر خواهد رسید. به این ترتیب GDP ملی با کمک کرمان‌موتور ۵۰ درصد رشد خواهد کرد.معاون توسعه محصول کرمان‌موتور در ادامه با بیان اینکه تشکیل صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر را با کمک معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در حال انجام داریم، گفت: از شرکت‌های فناوری و دانش بنیان حمایت خواهیم کرد و حمایت از محصولات فناوریانه تا TRL سطح ۵ تا ۸ هدف گذاری شده است.

وی افزود:معاون توسعه محصول کرمان‌موتور افزود: انعقاد قراردادهای تحقیقاتی با دانشگاه‌ها و ایجاد دفاتر فناوری در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها نیز در دستور کار کرمان‌موتور است که راه‌اندازی مرکز توسعه نرم‌افزار در دانشگاه صنعتی شریف از آن جمله است.وی ادامه داد: تفاهمنامه‌ای برای حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی مرتبط با معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری امضا خواهد شد و در زمینه توسعه نرم‌افزارهای خودرویی، برنامه مشترک با دانشگاه شریف هدف‌گذاری شده است.

بازار خودرو؛ در شیب صعود

بررسی روند بازار خودرو حاکی از آن است که در طول ۲۴ ساعت گذشته، پراید ۱۵۱ SE مدل ۱۴۰۲ در بازار خودرو با افزایش ۲ میلیون تومانی به قیمت ۳۴۰ میلیون تومان و مدل ۱۴۰۲ آن نیز با افزایش ۲ میلیون تومانی به قیمت ۳۲۰ میلیون تومان به فروش رفته است. قیمت پژو ۲۰۶ تیپ ۳ پانوراما مدل ۱۴۰۲ در حدود ۵ میلیون تومان گران شد و ۶۴۰ میلیون تومان قیمت خورده است. پژو ۲۰۷ نندای مدل ۱۴۰۳ نیز با افزایش ۵ میلیون تومانی، ۲۴۵ میلیون تومان به فروش رسیده است. همچنین پژو ۲۰۷ پانوراما اتوماتیک TU۵P مدل ۱۴۰۳ با افزایش ۵ میلیون تومانی، یک میلیارد و ۲۰ میلیون تومان به فروش رسیده است و پژو ۲۰۷ تیپ ۵ مدل ۱۴۰۲ با افزایش ۱۰ میلیون تومانی، ۶۷۰ میلیون تومان قیمت پیدا کرده است. پژو پارس ELX-TU۵ مدل ۱۴۰۲ با افزایش ۵ میلیون تومانی به قیمت ۸۲۰ میلیون تومان رسید و پژو پارس LX مدل ۱۴۰۲ هم ۵ میلیون تومان گران شد و ۸۴۵ میلیون تومان قیمت پیدا کرد. پژو TU۳۲۰۷ مدل ۱۴۰۳ در بازار خودرو با افزایش ۵ میلیون تومانی، ۶۵۰ میلیون تومان قیمت خورد. پژو پارس XUV مدل ۱۴۰۳ هم ۷۰۰ میلیون تومان به فروش رفت و مدل ۱۱۴۰۲ آن به قیمت ۷۲۰ میلیون تومان رسید. تارا اتوماتیک V۲ مدل ۱۴۰۳ و تارا دنده‌ای V۱ مدل ۱۴۰۳ نیز ۱۰ میلیون تومان گران شد و ۷۶۰ میلیون تومان قیمت خورده است. بازار خودرو نشان می‌دهد که دنا پلاس اتوماتیک توربو آپشنال مدل ۱۴۰۳ در حدود ۵ میلیون تومان گران شد و ۹۹۰ میلیون تومان قیمت خورد و دنا پلاس اتوماتیک توربو آپشنال مدل ۱۴۰۲ هم با افزایش ۵ میلیون تومانی ۹۶۰ میلیون تومان قیمت خورده است. امارا نا پلاس مدل ۱۴۰۳ در حدود ۵ میلیون تومان گران شد و ۶۴۵ میلیون تومان قیمت پیدا کرد و مدل ۱۴۰۲ آن هم در بازار با افزایش ۵ میلیون تومانی، ۶۲۵ میلیون تومان به فروش رفت. همچنین ساینا ۵ دنده‌ای دوگانه‌سوز مدل ۱۴۰۳ در بازار بدون تغییر، ۴۵۰ میلیون تومان قیمت خورده است. اما سمند سورن پلاس EFV دوگانه‌سوز مدل ۱۴۰۳ در حدود ۵ میلیون تومان گران و ۷۶۵ میلیون تومان فروخته شد. شاهین G اتومات مدل ۱۴۰۳ هم ۱۴ در بازار خودرو با افزایش ۵ میلیون تومانی، ۸۱۵ میلیون تومان قیمت پیدا کرد. همچنین کوئیک GXL نده‌ای مدل ۱۴۰۳ هم به قیمت ۴۳۰ میلیون تومان به فروش رفت.

نیشن لریمر



پژو ۲۰۸ ریسینگ؛ هاچ‌بک اسپرت و جذاب برای مسابقات اتومبیلرانی

می‌برد و برای ارتقای ایمنی در داخل کابین تغییرات زیادی ایجاد شده است. این خودرو بر پایه پژو فیس لیفت ۲۰۸ توسعه پیدا کرده و از ویژگی‌های منحصر به‌فردی همچون رنگ‌های فولادی سفید، خطوط سبز لیمویی در چراغ‌های روشنایی در روز (DRL) و بدنه سفید با طرح‌های گرافیکی خاص برخوردار است. از لحاظ طرح بدنه و نمای ظاهری این خودرو به شدت یادآور پژو ۱۰۶ رالی است.

در داخل کابین، مهندسان شاخه موتور اسپرت استلاتیس پژو ۲۰۸ ریسینگ را به میله‌های محافظ مخصوص و سیستم اطفا‌ی حریق خودکار تجهیز کرده‌اند تا این خودرو با مقررات سازگاری داشته باشد. نمایشگر چندمنظوره، کلید قطع مدار

در گذشته پژو مدل‌های ویژه‌ای را با پسوند GTI و Rallye در سید محصولات خود داشت. این مدل‌ها از لحاظ فنی ارتقا یافته بودند، به همین خاطر در مقایسه با مدل‌های استاندارد عملکرد بسیار بهتری را به نمایش می‌گذاشتند که با اقل برند پژو، دیگر خبری از این مدل‌ها نیست. باوجود این شاخه موتور اسپرت استلاتیس (کمپانی مادر پژو) با رونمایی از ۲۰۸ ریسینگ، به گذشته پر افتخار این برند ادای احترام کرده است.

طراحی ظاهری و داخلی

پژو ۲۰۸ ریسینگ از یک موتور و شاسی تقویت‌شده سود



سرقت؛ پرتکرارترین جرم در تهران است

معاون دادگستری: تبلیغات سراها و فروشگاه‌های بزرگ را رصد می‌کنیم

۲۱ در شهرستان‌های استان تهران سیمای جرایم شامل سرقت مستوجب تعزیر، توهین، ضرب و جرح عمدی، کلاهبرداری، تهدید، تحصیل مال از طریق نامشروع است.

۴۱ دادگستری استان تهران با اعطای نهادهای ارفاقی به محکومان جرم سرقت بشدت مخالفت می‌کند. برای این محکومان استفاده از پابند الکترونیک نیز موافقت نمی‌شود.

۵۱ طبق دستورالعمل دادستان کل کشور، محکومانی که سابقه تکرار جرم داشته باشند، ولی آزاد هستند، تحت نظر قرار می‌گیرند.

۶۱ با ارسال پیامک‌هایی برای افراد در استان تهران اطلاع رسانی و هشدارهای لازم در حوزه رمز ارزها ارائه شد. ۲۱ عنوان و ۲۵۰ میلیون پیامک هشدار و اطلاع رسانی درباره رمز ارزها رسال شده است. در حوزه

خبرگزاری میزان دیروز گزارشی از نشست خبری ابوالفضل نیکوکار، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری تهران با خبرنگاران را منتشر کرد که ۸ نکته مهم در آن وجود داشت. این نکات را بخوانید:

۱۱ برخی تبلیغات در صداوسیما و مراکز فضای مجازی و بیشتر تبلیغات پرتکرار را رصد می‌کنیم. تبلیغات مربوط به کارخانه‌های موتورسیکلت، سراها و فروشگاه‌های بزرگ را رصد می‌کنیم تا اگر به تعهدات خود عمل نکنند و تولید پرونده داشته باشند، تذکرات لازم را بدهیم.

۲۱ پرتکرارترین جرم در تهران سرقت تعزیری است و ۱۸ ونیم درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته است. جرم دوم کلاهبرداری است. سومین مورد توهین به اشخاص است و موارد بعدی، تحصیل مال نامشروع، ضرب و حرج، تهدید و خیانت و امانت و افسارت.

نکته

سه نظریه مشورتی درباره یک قانون جدید درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۹۸

این هفته استثنائا برانتری در میان موضوع جرایم در حکم کلاهبر داری در بحث دعاوی ملکی با می کنیم چون سه نظریه مشورتی از سوی اداره کل حقوقی قوه قضائیه درباره قانون جدید الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول منتشر شده و این سه را با هم بررسی می کنیم:

۱۱ تبصره ۲ از ماده یک قانون می‌گوید: میزان مالیات، حق‌الثبت و حق‌التحریر بر تنظیم وکالت بلاعزل انتقال مالکیت در خصوص اموال غیر منقول موضوع این ماده در دفاتر اسناد رسمی معادل تنظیم سند رسمی انتقال ملک است و چنانچه طرف نه ساه از تاریخ تنظیم وکالتنامه، اموال مذکور منتقل نشود، سند رسمی انتقال بدون نیاز به پرداخت مجدد مالیات نقل و انتقال ملک و حق‌الثبت تنظیم

می‌شود.

سوال این است که: آیا این تبصره ناظر بر هر نوع وکالت است یا وکالت باید قید بلاعزل داشته باشد تا مشمول حکم این تبصره باشد؟

پاسخ اداره کل حقوقی قوه قضائیه:نظر به اینکه عدم جواز اخذ هر گونه وجهی از مردم توسط دولت؛ بجز در موارد مصرح قانونی به عنوان یک اصل در مواد متعدد قانونی؛ از جمله ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی پذیرفته شده است، در فرض سؤال با عنایت به تصریح تبصره ۲ ماده یک قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول مصوب ۱۴۰۳، دریافت مالیات معادل مالیات تنظیم سند رسمی انتقال ملک و دیگر عناوین مندرج در این تبصره منحصرا به فرض وکالت

بلاعزل انتقال مالکیت است.

۲۱ آیا دعوی مطالبه و تحویل ملک به استناد عقد ایاحه منافع در مال غیر منقول، پس از یک سال از راهاندازی سامانه موضوع ماده یک قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول مصوب ۱۴۰۳ مسموع است؟ توضیح آنکه در قانون یادشده در خصوص انتقال عین و منفعت مال غیر منقول تقریر حکم شده است؛ اما در مورد عقود مفید ایاحه اموال ذکر ی به میان نیامده است.

پاسخ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: اولاً، قانونگذار در مواد یک و ۱۰ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول مصوب ۱۴۰۳ به انتقال منافع و یا مالکیت منافع، انتقال حق انتقال و مالکیت حق انتقال تصریح دارد؛ اما در

رای

لزومی به درج نام استاد راهنما در مقاله استخراج شده از تز نیست

این هفته رای در توتئیر سر و صدا کرد که از هیات عمومی دیوان عدالت اداری صادر شده بود. این رای البته مربوط به اول مرداد سال ۱۳۹۸ است ولی با توجه به اهمیت آن به خصوص برای جامعه علمی، آن را به طور خلاصه در اینجا قرار می‌دهیم.
خانی به نام فاطمه افشاری به دیوان عدالت اداری شکایتی می‌کنند و خواستار «ابطال تبصره ۱ ماده ۱۱ شیوه نامه نظارت بر اجرای دوره دکتری آموزشی– پژوهشی مصوب سال ۱۳۹۴ دانشگاه علامه طباطبائی» می‌شوند. چرا؟ مگر در این شیوه‌نامه چه آمده است؟

در این شیوه‌نامه گفته شده «جهت دفاع از رساله مقطع دکتری تخصصی، یک مقاله چاپ شده یا دو مقاله پذیرفته شده برگرفته از رساله پیش از پرگزاری جلسه دفاع الزامی است و در تبصره این ماده ذکر شده: «تنها مقالاتی برای اخذ مجوز دفاع قابل قبول است که توسط استاد راهنما تایید و استاد راهنما به عنوان نویسنده مسئول مقاله معرفی شده باشد.»

متن مصوبه مذکور در بند ۱۲ راهنمای دانشجویان برای انتخاب یک نشریه معتبر برای دفاع از رساله دکترانیز تکرار شده و در راهنمای مذکور بیان شده: «ضروری است نام استاد راهنمای است و در تبصره عنوان نویسنده مسئول ذکر شود و کلیه مکاتبات از طریق ایشان صورت پذیرد.» دانشگاه علامه در دفاعیات خود می‌گوید:

استاد راهنما به عنوان متولی و مسئول اصلی رساله، می‌باید کفایت دستاوردهای علمی کار را تأیید کند و مطابق صریح ماده ۱۸ بین نامه وزارت، مقاله و رساله دانشجویان باید به تأیید استاد راهنما برسد و وقتی دستاوردهای علمی رساله باید به تأیید استاد راهنما برسد، از جمله دستاوردها، مقاله‌های مستخرج است و یا توجه به اینکه در فرایند داوری مقالات، همه مکاتبات و اعلام نظر ها با نویسنده مسئول صورت می‌گیرد، اگر

۲۱ جمع آوری کودکان کار از سطح معابر در حال انجام است. ۸۵ درصد کودکان کار از اتباع بیگانه هستند.

۸۱ قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول در آغازین مراحل اجرا است. این قانون یک نظام حقوقی خاصی را در حوزه اموال غیر منقول ایجاد کرد که باید ۱۴ آیین نامه برای آن نوشته شود و ۶ وزارتخانه و ۱۴ دستگاه در این حوزه دخالت دارند. از اهداف مهم آن ساماندهی اسناد غیر رسمی و ساماندهی مشاوران املاک است که در میان مردم استفاده می‌شد و مشکلات خود را داشت و با دو سامانه اصلی با عنوان

قبلا این قدر توهین نداشتیم!

دیروز هم‌چنین حاجی رضا شاکری قائم مقام رئیس کل دادگستری استان تهران در مراسم تکریم و معارفه دادستان عمومی و انقلاب شهرستان پیشوا با اشاره به اینکه بعد از آمار جرم سرقت و مواد مخدر، جرم درگیری، توهین و افترا در استان تهران بالاترین آمار را به خود اختصاص داده است، گفت: چند سال قبل جرم درگیری، توهین و افترا آمار کم برخوردار بود و نمودی نداشت، ولی در حال حاضر این آمار افزایش یافته که به رعایت نکردن ادب و بی‌احترامی‌های درون جامعه و عدم رعایت قانون بر می‌گردد.

سازمان تامین اجتماعی: ۱۰ هزار نفر از کارکنان سازمان تامین اجتماعی در تهران بابت بدهی ۱۰۰ میلیاردی توقیف شدند

رسمی معاملات اموال غیر منقول مصوب ۱۴۰۳ صادر شده است، معتبر است و یا آنکه با توجه به حکم صریح این ماده که فقط از دو نوع شیوه احراز مالکیت یاد کرده است و در مورد آراء قضایی؛ (از جمله راجع به تقسیم تر که و اثبات مالکیت) ثبت نشده در دفاتر ثبت اسناد و املاک تصریحی ندارد، فاقد اعتبار است؟

پاسخ اداره کل حقوقی قوه قضائیه:از حکم مقرر در ذیل ساده یک قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیر منقول مصوب ۱۴۰۳، بی‌اعتباری آراء صادره از مرجع قضایی در خصوص معاملات موضوع ایسن ماده قابل استنباط نمی‌باشد و در فرض سؤال، محکوم‌له می‌تواند وفق مقررات مربوط و عندالاقضاء با رعایت حکم مقرر در ماده ۱۰ قانون یادشده، برای دریافت سند رسمی مالکیت اقدام کند.

رای

لزومی به درج نام استاد راهنما در مقاله استخراج شده از تز نیست

شرط نویسنده مسئول نباشد، راهنما، توسعه دامنه شمول حکم مندرج در ماده ۸ آیین نامه یاد شده است.
۵۱ ماده ۸ آیین نامه دوره دکترادر مقام بیان نحوه دفاع از رساله دکتر او شرایط آن است و سکوت این ماده در خصوص این که چه کسی نویسنده مسئول باشد، منضمن جواز نویسنده مسئول بودن استاد راهنما نبوده و باید آن را در پرتو اصول کلی حقوق عمومی نظیر اصل عدم صلاحیت و اصل برابری و منع تبعیض تفسیر کرد چرا که اصل بر عدم صلاحیت استاد راهنما برای نویسنده مسئول بودن مقاله است و خلاف آن نیاز به تصریح دارد.

۶۱ مستنبط از ماده ۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و اصلاحی ۱۳۸۹، مقاله علمی پژوهشی مستخرج از پایان نامه، اثر حقوقی مستقلی است که پدید آورنده آن دانشجو است و مالک فکری آن محسوب می‌شود و استاد راهنما صرفاً وظیفه نظارت بر آن را دارد.

۷۱ قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶/۵/۳۱ در مقام بیان عمل مجرمانه تقلب در تهیه آثار علمی و مجازات آن بوده و به هیچ عنوان منضمن الزام و اجبار دانشجویان به ذکر نام استاد راهنما نیست به عنوان نویسنده مسئول در مقالات علمی– پژوهشی مستخرج از پایان نامه نبوده است.

بنابراین با عنایت به مراتب مذکور، تبصره ۱ ماده ۱۱ شیوه نامه نظارت بر اجرای دوره دکتری آموزشی– پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی مصوب ۱۳۹۴، مستلزم منضمن الزام و اجبار دانشجویان به ذکر نام استاد راهنما نیست به عنوان نویسنده مسئول در مقالات علمی– پژوهشی مستخرج از رساله دکتران، تصویب شیوه نامه نظارت بر اجرای دوره دکتری آموزشی– پژوهشی می‌باید اصول کلی و ضوابط اصلی دوره دکتران مندرج در آیین نامه یاد شده را رعایت کند. این در حالی است که درج

استاد راهنما نویسنده مسئول نباشد، واند بر روند اصلاح احتمالی مقاله یا پاسخ به داوران، نظارت داشته باشد و در موارد بسیاری به کرات مشاهده شده که دانشجویان پس اصلاحات برنیامده یا پاسخ داوران را بدون هماهنگی با استاد راهنما انجام داده و موجب رد مقاله یا اطاله فرآیند داوری شده است.

هیات عمومی در نهایت در مرداد سال ۱۳۹۸ در این زمینه رای می‌دهد که:

۱۱ مطابق بند ۴ قسمت (ب) ماده ۲ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳، تعیین ضوابط، معیارها و استانداردهای علمی و مقاطع تحصیلی یکی از مأموریت‌ها و اختیارات وزارت علوم بوده است.

۲۱ مطابق ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، دانشگاه‌ها بدون رعایت قوانین و مقررات عمومی حاکم بر دستگاه‌های دولتی و فقط در چهارچوب مصوبات و آیین‌نامه‌های مالی معاملاتی، اداری، استخدای و تشکیلاتی مصوب هیأت امانا که حسب مورد به تأیید وزیران علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رسد، عمل می‌کنند و دستورالعمل مورد شکایت با موضوع شیوه‌نامه نظارت بر اجرای دوره دکتری آموزشی– پژوهشی، موضوعاً از شمول حکم مندرج در ماده ۱ قانون مذکور خارج است.

۳۱ مطابق ماده ۸ آیین نامه دوره دکتران مصوب شورای برنامه ریزی و آموزش عالی مورخ ۱۳۸۹/۸/۸ مقاله مشاهده شد از پایان نامه توسط دانشجو نوشته شده و استاد راهنما صرفاً وظیفه نظارت و راهنمایی جهت اصلاح آن را دارد.

۴۱ مطابق ماده ۱۳ آیین نامه دوره دکتران، دانشگاه علامه طباطبائی در تدوین و تصویب شیوه نامه نظارت بر اجرای دوره دکتری آموزشی– پژوهشی می‌باید اصول کلی و ضوابط اصلی دوره دکتران مندرج در آیین نامه یاد شده را رعایت کند. این در حالی است که درج

پارک / مصطفی آرائی

پول دو سکه مهری را ندارم؛ چه کنم؟

پاسخ به سوالاتی در مورد معامله خودروی معیوب، دعوی تمکین و ازدواج مجدد و ...

این شماره هم به پنج سوال مطرح شده از سوی مخاطبان سایت دادره جواب می‌دهیم:
۱۱ بنده در دعوی مهری به پرداخت ۲ سکه یکجا و هر ۱۸ ماه یک سکه محکوم شده‌ام. حالا توان پرداخت ۲ سکه به صورت یکجا ندارم. آیا حبس دارد و اگر حبس دارد تحت سند آزاد می‌شوم یا نه؟
پاسخ: در صورت عدم پرداخت مهری به میزان ۲ سکه، امکان حبس وجود دارد مگر اینکه فوراً به دادگاه مراجعه و دادخواست اعسار بدهید تا دوباره پرونده مورد بررسی قرار گیرد یا با موافقت طرف مقابل تبدیلی در این زمینه صورت گیرد. امکان خروج از زندان با سند هم وجود ندارد چون بازداشت نرسیدید بلکه در واقع حبس شدید تا زمانی که بدهی خود را پرداخت کنید.

۲۱ خودرویی را خریدم با قولنامه دستی و در آن قید کردیم خودرو به شرط سه لکه رنگ و سلامت فنی فروخته شده است. بعد از تعویض پلاک دیدم ماشین صدمی‌دهد که مکانیک باز کرد و تالان ۱۵۰ میلیون تومان در این زمینه صورت گیرد. امکان خروج از زندان با سند هم وجود ندارد چون بازداشت نرسیدید بلکه در واقع حبس شدید تا زمانی که بدهی خود را بپردازید؟

پاسخ: در صورتی که در قولنامه این شرط را قید کرده باشید و خيار فسخ قرارداد را از خود ساقط نکرده باشید؛ امکان شکایت و اخذ خسارت یا فسخ معامله وجود دارد. حتماً قبل از هر کاری به صورت فوری نظریه کارشناس را گرفته و تامین دلیل نمایید.

۳۱ من خانهای را به صورت قولنامه‌ای خریدم. طبقه سوم و واحد ۷. آدرس خانه درست است ولی در بخش طبقه خورده ۳۱ و کدپستی هم برای طبقه اول واحد سه است. واحد انباری را البته درست زده و شماره هفت است. من رفتم تاییدیه کد پستی را گرفتم و بعد املاکی گرفت بیاور تا پشت نویسی کنم. این کار درست است. به مشکلی نمی‌خورم؟

پاسخ: در صورتی که هر دو ایراد در پشت نویسی اصلاح شود و با تایید مالک برسد به مشکلی برخورد کنید هر چند که توصیه به عدم معامله خانه‌های قولنامه‌ای است.

۴۱ دو هفته پیش یک خودرو بدون رنگ و با شاسی پلمب خریدم و بردم کارشناسی و بدون رنگ بود ولی چند روز بعد یک کارشناس گفت ماشین بدون رنگ است ولی تقریباً کل ماشین آفتاب سوخته است. مالک قبلی می‌گوید پس بده و بویل را بگیر ولی من کلی طلا داشتم و فروختم و وام گرفتم و الان بخواهم پس بدهم متضرر می‌شوم. چه کنم؟
پاسخ: طرف مقابل مسئول نحوه تامین مالی شما نیست. شما یا می‌توانید از او خسارت مطالبه کنید و یا خودرو را پس بدهید.

۵۱ سال‌ها خانمم زندگی کردم. همسر ۳ سال پیش به من خیانت کرد و با شواهد گزارش پلیس به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد. حالا ایشان با من زندگی نمی‌کند و از من تمکین ندارد ولی اگر من عدم تمکین بزنم او برمی‌گردد و من هم نمی‌خواهم او برگردد. آیا می‌توانم در خواست ازدواج مجدد بدهم یا توجه به این وضعیت؟

پاسخ: بهترین کار این است که با هم برای طلاق به توافق برسید. بدون حکم دادگاه نمی‌توانید ازدواج مجدد کنید و دادگاه برای ازدواج مجدد نیاز به عدم تمکین دارد.

پارک دوشنبه هر هفته در همین صفحه، به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۱۷۰۷.ارسال کنید: PR@7sobh.com Mo.masajedi@gmail.com

اولین مجتمع داد گاه‌های صلح تهران تا پایان آبان افتتاح می‌شود

علی‌القاصی، رئیس کل دادگستری استان تهران از راهاندازی دادگاه‌های صلح در تمامی شهرستان‌های استان تهران و افتتاح قریب‌الوقوع اولین مجتمع ویژه دادگاه‌های صلح در شهر تهران خبر داد و گفت: باتوجه به تکلیف قانونی موجود، در حال حاضر دادگاه‌های صلح در تمامی ۱۵ شهرستان استان تهران راهاندازی شده و در حال حاضر پرونده‌هایی که در صلاحیت دادگاه‌های صلح هستند جهت رسیدگی به این شعب ارجاع می‌شود.

رئیس کل دادگستری استان تهران ضمن اشاره به پیش‌بینی چهار مجتمع ویژه دادگاه‌های صلح برای شهر تهران با قریب ۱۱۹ شعبه اظهار کرد: با اهتمام و تلاش‌های صورت گرفته ساختمان یک مجتمع ویژه دادگاه‌های صلح تکمیل گردیده و آن‌شاهانه تا پایان ماه جاری این مجتمع به بهره‌برداری خواهد رسید.

وی خاطرنشان کرد: تجهیز و آماده‌سازی ساختمان یک مجتمع ویژه دادگاه‌های صلح در شهر تهران نیز در حال انجام است و تأمین ملزومات و تجهیزات برای سه مجتمع دیگر نیز در دست پیگیری است تا پس از راهاندازی این چهار مجتمع پرونده‌های مرتبط با صلاحیت دادگاه‌های صلح در تهران به نحو متمرکز مورد رسیدگی قرار گیرند. القاصی در پایان از پیش‌بینی حدود ۲۰۰ شعبه دادگاه صلح در تهران خبر داد و اذعان کرد: شورای حل اختلاف نیز با تمرکز بر امر مصالحه و سازش کماکان به فعالیت خود ادامه خواهد داد و در صورتی که امر سازش محقق نشود، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه‌های صلح ارجاع خواهد شد.

جزئیات استخدام ۱۰ هزار نفر در شوراهای حل اختلاف

رئیس مرکز توسعه حل اختلاف کشور گفت: به‌زودی ۱۰ هزار نفر از کارکنان شوراهای حل اختلاف کشور استخدام می‌شوند.
حجت‌الاسلام‌هادی صادقی در سفر به کرمان گفت: کارکنان شوراهای حل اختلاف این بزرگی به گردن دستگاه قضایی دارند و خدمات زیادی به شکل افتخاری ارائه داده‌اند و بعضی از آن‌ها حدود ۲۰الی ۲۲ سال سابقه کار دارند. بنابراین دستگاه قضایی وظیفه دارد نسبت به تعیین تکلیف آن‌ها اقدام کند و یکی از کارهای خوبی که در قانون جدید پیش‌بینی شده است؛ استخدام ۱۰ هزار نفر از این کارکنان است.
حجت‌الاسلام صادقی بیان کرد: تلاش بر این است که با همکاری معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی قوه قضائیه تا انتهای سال ۱۴۰۳ و با اوایل سال آینده، آزمون استخدامی این افراد بر گزار شود.
وی اظهار کرد: برای کارکنانی که از این طریق نیز استخدام نشوند، جای نگرانی وجود ندارد و آن‌ها به همان سبک و سابق به کارشان ادامه می‌دهند و در شوراها فعال خواهند بود؛ پاداش آن‌ها افزایش پیدا کرده است و به حد حقوق قانون کار رسیده است و بیمه آن‌ها تداوم خواهد داشت تا سابقه آن‌ها کامل شود و بازنشستگی ناقل شود.
حجت‌الاسلام صادقی با بیان اینکه تعداد کارکنان شوراهای حل اختلاف در سراسر کشور ۲۷ هزار نفر است، گفت: هر ۷ هزار و ۵۰۰ نفر از کارکنان شوراهای حل اختلاف در شوراهای حل اختلاف روسایبی مشغول به کار هستند که شافل به حساب نمی‌آیند؛ از حدود ۱۹ هزار نفر دیگری که داریم تعدادی از بازنشستگان هستند که آن‌ها نیاز به استخدام و ساماندهی ندارند؛ حدود ۱۴ هزار نفر داریم که نیازمند ساماندهی هستند که ۱۰ هزار نفر استخدام می‌شوند و بقیه هم مانند سابق ادامه کار می‌هند.

ایران به رونالدو نمی سازد
فوق ستاره فوتبال جهان در مصاف
با تیم های ایرانی عملکرد درخشانی
نداشته است **صفحه ۱۲**

سر نوشت عجیب نسل سوم
درباره هفت بازیگری که در دهه
هشتاد درخشیدند و حالا به کنج
عزالت خزیده اند **صفحه ۱۳**

حرف های داغ هفته

مسعود جعفری جوزانی



فیلمنامه «کوروش کبیر» و همچنین چندین داستان را نوشته ام و خیلی هم هزینه کرده ام تا ساخته شوند. از «یعقوب لیث صفاری» تا «پوریای ولی» و اینجا جزو آرزوهای ماست که ساخته شود. در ایران اراده تولید دست سازنده نیست. تلاش برای تولید در دست سازنده است ولی اراده تولید را سیاست تعیین می کند. تا موقعی که سیاست و نه بخش فرهنگی اراده تولید را در دستان خودشان دارند نه این سینما به جایی می رسد، نه کوروش ساخته می شود نه «یعقوب لیث» و نه «پوریای ولی». سه جلسه با رئیس صدا و سیما داشتم و ولی تا به امروز هیچ اتفاقی نیفتاده. شاید ناگهانی این اتفاق بیفتد.

ایستاد
۱۱ آبان

سید جواد هاشمی



تلویزیون دوست نداشت «شهر گریه های ۲۲» اکران نشود و منویات این رسانه با سید جواد هاشمی مشکل دارد. من وقتی معلم بودم به جبهه می رفتم و دفاع مقدس یک اتفاق بزرگ تاریخی بود. من در عرصه بازیگری در آثار دفاع مقدس ایفای نقش کردم و مدعی هستم که از کارشناسان بهتر می دانم که چه می خواهند. البته که مجبورم شتر گاو پلنگ بسازم تا خانواده ها فرزندان خود را به سینماها بیاورند. هیچ وقت آثارم را تخصصا برای کودکان نساختم. سینمای کمدی و غیرمنتظره ای که امروز میلیاردری می فروشد از مردم عقب تر است و وقتی سینمایی از مردم جلو می افتد، مخاطب دیگر عادت ندارد به استقبال این آثار برود.

اکران مدیا
۲۸ مهر

علی فروتن



جای خالی برنامه های کودک در شبکه خانگی محسوس است. در ساترا افراد صاحب نفوذی حضور دارند و خواهیم این است از این نفوذ برای کودکان استفاده کنند. ساترا باید به یک پلتفرم مثلا بگوید اگر در سال دو سریال کودک نساختی دیگر مجوز نداری. پلتفرم هم به نوعی ترغیب شود کار کودک بسازد. به این ترتیب هم برای کودکان آثار متنوعی تولید می شود و هم دستان و همکاران و هم صنف های من کار می کنند. تولید آثار با مخاطب کودک و نوجوان مهم است. پلتفرم ها باید بخشی از تولیدات خود را به کودکان اختصاص دهند. از طرف دیگر ساترا می تواند از آثار کودک در پلتفرم ها حمایت کند.

نشریه کد
۲۸ مهر

رامتین شهبازی



ما شاهد برخی فیلم های داستانی هستیم که صرفا به دلیل روایت کمی متفاوت و نامتعارف، به بخش تجربی راهی می شوند. گاهی هم تلفیق انیمیشن و مستند را در این قالب تعریف می کنند اما سینمای تجربی در معنای واقعی خود، الزاماً شامل همه این آثار نمی شود. کارگردانی که می خواهد فیلم تجربی بسازد باید در فرم به پختگی رسیده باشد. او باید در بازی با فرم کاملاً پخته عمل کند. در بین فیلم های حاضر در چهل و یکمین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران هم کم و بیش فیلم های خوبی را شاهد بودیم اما عموماً این ضعف در جریان فیلم تجربی مشهود است. فیلم تجربی قصه و روایت مختص به خودش را دارد.

خبرگزاری مهر
۱۱ آبان

راند فریدزاده



همکاری تلویزیون با سینما، منجر به کارآفرینی، رونق و وسعت بازار کار در عرصه صنعت تصویر ایران خواهد شد و باید از آن استقبال کرد. بحث ها و جزئیات فراوانی در زمینه این همکاری و دستاوردهایش وجود دارد که به مرور به آن خواهیم پرداخت و برای حل مسائل فی مابین تلاش خواهیم کرد. انعکاس برگزاری جشنواره ها و رویدادهای ملی و بین المللی مختلف در تلویزیون می تواند منشأ حرکت و خلاقیت فراوان باشد، حمایت از این رخدادهای ملی و هنری، توجه مخاطبان به آنها را بیشتر کرده و به همان نسبت به ایجاد انگیزه، شور و امید و نیز، رونق این نوع فعالیت ها در جوانان و نسل امروز کمک خواهد کرد.

ایرنا
۳۰ مهر

چهره هفته

هلیا امامی



این روزها هلیا امامی را در دو سریال متفاوت می بینیم. «لالایی» محصول پلتفرم فیلیمو اثری کودکانه است که در آن نقش دختری عاقل و کاربلد به نام جوانه را بازی می کند و در سریال «هشت پا» شبکه یک، پریچهر است. این بازیگر کار خود را با تئاتر شروع کرد و بعد از آن مقابل دوربین رفت. امامی در این سال ها پرکار بوده و البته تا پیش از «لالایی» کار کودک را تجربه نکرده بود. خودش گفته است: «من از سال ها قبل در ذهنم بود که بیشتر با کار کودک خودم را به مخاطب بشناسانم. به خاطر اینکه همیشه بازیگرهایی که از بچگی کارهای شان را دیده بودم و مخاطب شان بودم برایم عزیز تر از هنرمندانی بودند که در سن های بالاتر مخاطب شان شدم». عملکرد امامی در این سریال قابل قبول است و مهم تر اینکه همزمان در «هشت پا» روی دیگر از خود نشان داده. از آن سوتش پرپیچ و باز بازی هلیا امامی در «هشت پا» جزو تجربیاتی است که به نظر می رسد از مرز بازیگری عبور کرده. او رفتارهایی دارد که از بیش فعالی اش می آید. امامی توازنی منطقی میان دختری زیبا، مثبت و البته پر شر و شور برقرار کرده.

پیشنهاد ویژه هفته

سریال پنگوئن | فیلیمو، فیلم نت و نماوا



این فیلم ها را ببینید

دفتر کار رئیس / پنجشنبه / ساعت ۲۳ / شبکه نمایش



کارگردان: یواخیم یک
بازیگران: جان هام، دنی پودی، سارا گادون و کریستوفر هیردال
محصول: آمریک/ ۲۰۲۲

اورسن، کارمندی که به تازگی به شرکت اتوریته نقل مکان کرده است، سعی دارد مناسبات شرکت قبلی را به این شرکت بیاورد و وقتی متوجه می شود که همکارانش نظم پذیر نیستند آنها را به اتاقی بزرگ در طبقه چهارم برده و به آنها تذکر می دهد اما در واقعیت چنین اتاقی وجود نداشته و کمی بعد رئیس شرکت طبع گزارش کارمندان اورسن را به این جهت که دچار بیماری توهم شده اخراج می کند. «دفتر کار رئیس» یک درام فلسفی و کمدی گروتسک خوش ساخت است که فضا و ایده آن مبنی بر وجود داشتن یک اتاق در راهروی یکی از طبقات، شبیه فیلم «جان مالکویچ بودن» اسپایک جونز است.

سوییت واتر / جمعه / ساعت ۱۴ / شبکه سه



کارگردان: مارتین گینگی
بازیگران: اورت آزیبون، کری الویس، جرمی پیون، کوین پولاک و ریچارد درافنس
محصول: آمریکا/ ۲۰۲۳

فیلم درباره نت کلیفتون ملقب به سوییت واتر جوانی سیاهپوست است که در تیم بسکتبال هارلم گلوبتر وترز بازی می کند. بازیکنان این تیم بسکتبال را به صورت نمایشی بازی کرده و با وجود تمام شایستگی ها، به دلیل قوانین نژادپرستانه حق حضور در مسابقات رسمی را ندارند. مربی تیم در ازای هر بازی نمایشی آنها با تیم های دانشگاهی و محلی، مبلغ اندکی را به هر کدام از اعضا می دهد. این تیم حتی در یک بازی دوستانه، قهرمان لیگ NBA را شکست می دهد و همین درخشش سوییت واتر مورد توجه جو لاچیک مربی بسکتبال تیم نیکربوکرز که در لیگ NBA حضور دارد، قرار می گیرد...

آن زن گفت / جمعه / ساعت ۲۰:۳۰ / شبکه چهار



کارگردان: ماریا شیریدر
بازیگران: کری مولیکان، ژوئی کازانو و پاتریشیا کلارکسون
محصول: آمریکا/ ۲۰۲۲

فیلم سینمایی «آن زن گفت» روایتی از تحقیقات دو روزنامه نگار درباره آزارهای جنسی هاروی واینستین، تهیه کننده مشهور هالیوود است. فیلم روز به روز با تحقیقات آنها پیش می رود و سعی می کند تجربه ای که این دو روزنامه نگار برای نوشتن گزارش افشاگرانه اش علیه واینستین داشته اند را مستند کند. کیت ارلند منتقد اندی وایر درباره «آن زن گفت» نوشته: یادآوری این موضوع ضروری است که سقوط واینستین حاصل گزارش های مداوم، پشتکار بسیار و انعطاف پذیری چند روح شجاع بود. اما فیلم جنجالی و هنری ماریا شیریدر چیز دیگری را به یاد ما می آورد که نتیجه آن یک فیلم جسورانه و برآشوبنده است: این زنان بودند که این کار را انجام دادند.

نمای کلی

کارگردان:
لورن لفرانک
بازیگران:
کالین فارل، کریستین میلیوتی، رنزی فلیز، دیردری اوکانل، کلنسی براون، کارمن اجوگو، مایکل زیگن و...
محصول:
آمریکا/ ۲۰۲۴
فرمت:
دوبله و زیرنویس
تعداد:
۸ قسمت
نمره در imdb:
۱۹

درباره سریال

طرفداران دنیای ابرقهرمان ها، به ویژه بتمن و گاتهام سیتی، از همان زمانی که برای نخستین بار با آژوالد کابلپات کالین فارل در بتمن مت ریسوز دیدار کردند، مشتاقانه در انتظار اسپین آف تلویزیونی آن یعنی پنگوئن بودند. شخصیتی که اگر چه حضور بسیار کوتاهی در فیلم روز داشت اما با اجرای جسورانه فارل، مخاطبان را مجذوب خود ساخت. سریال پنگوئن The Penguin در ادامه همان جهان بینی زمینی بتمن مت ریز قرار می گیرد. شاید به همین خاطر است که تجسم فارل از این شخصیت نه به یک ابر شرور کلاسیک بلکه به رئیس یک باند جنایتکار خشن و واقعی نزدیک می شود. در حال حاضر، شخصیت آژوالد فارل بیشتر به تونی سوپرانو جیمز گاندولفینی شباهت دارد تا شخصیت پنگوئن بوکس مریدیت در فیلم بتمن محصول سال ۱۹۶۶ به کارگردانی لسلی اچ مارتینسون.

درباره داستان

داستان سریال به دنبال بتمن ۲۰۲۲ اتفاق می افتد. هنگامی که آژوالد کابلپات ملقب به پنگوئن، گانگستر پرآوازه شهر گاتهام شده است و برای به دست گرفتن افسار جنایتکاران این شهر نمایشی راه می اندازد. این سریال سیر صعودی شخصیت شرور از یک گانگستر معمولی به یک ابر جنایتکار را روایت می کند. پنگوئن از درام های جنایی کلاسیکی مانند صورت زخمی و جمعه خوب طولانی الهام گرفته و به بررسی تم هایی مانند قدرت، بلندپروازی و روایات آمریکایی می پردازد. اسوالد کابلپات به عنوان شخصیتی بی رحم و در عین حال دست کم گرفته شده، به تصویر کشیده شده است. داستان به بررسی صعود استراتژیک او به قدرت که با حیل و رفتارهای خوشنات آمیز همراه است، می پردازد. سریال پنگوئن از نظر خیلی ها افزودهای جذاب به دنیای بتمن و نگاهی عمیق به یکی از شروران نمادین گاتهام دارد.

واکنش منتقدان

لوسی متگان، گاردین: «یک سریال حماسی قدرتمند و چشمگیر که از اکشن و درام کافی برای جلب رضایت طرفداران قدیمی و دست و پا کردن علاقه مندان تازه، برخوردار است. فارل نیز از همین الان باید خود را برای بردن جایزه های بسیار آماده کند». رابرت لوید، لس آنجلس تایمز: «هر دو مجموعه پنگوئن و آگاتا تمام مدت، فوق العاده اند و از لحاظ تولید و بازی ها تقریباً بی نقص هستند». نیک شگر، دیلی بیست: «پنگوئن به لطف بازی کاملاً فوق العاده کالین فارل در نقش این شرور نامی، به همان اندازه که از یک مجموعه تلویزیونی مرتبط با دنیای بتمن انتظار می رود، جذاب است». بن تراورس، ایندی وایر: «هر چند پنگوئن براساس معیارهای خودش سریال موفقیتی به نظر برسد، ولی می توانست به جای اینکه مدام بر واقعیت تاریکش تاکید کند، از رمانس و تنوع بیشتری بهره برد».

فریبا و روز خون می آیند

قرار است بعد از سریال «هشت پا» یک مینی سریال مناسبی به نام «روز خون» درباره حادثه شاهچراغ از شبکه یک پخش شود که هفت قسمت است. همچنین بعد از سریال «تاکت خور» نیز سریال «فریبا» از شبکه سه روی آنتن می رود که درباره اینفلونسرهای فضای مجازی است. به گزارش تسنیم، سریال «فریبا» با نام قبلی «عقیف» به کارگردانی محمود مظفری یک مولودام اجتماعی است. علیرضا خسته، حمیدرضا پگاه، ثریا قاسمی، ارسلان قاسمی، امیرمحمد زند، محمدحاتمی و... از جمله بازیگران این سریال تلویزیونی اند. خط اصلی سریال هفت قسمتی «روز خون»، داستان پیگیری نیروهای امنیتی و تلاش تروریست ها برای ایجاد انفجار و حمله تروریستی در حرم شاهچراغ (ع) است. این سریال در ۷۵ لوکیشن فیلمبرداری شده که یکی از لوکیشن های اصلی سریال حرم شاهچراغ (ع) است. بیش از ۴۰ بازیگر اصلی و فرعی در این مجموعه همکاری دارند که می توان به حمید ابراهیمی، اشکان هورسان، محمد فیلی، آرتینا ترکشوند، حدیثه تهرانی، علیرضا مهران، بهروز قادری و... اشاره کرد.

عکس هفته



ترین های هفته

فعالیت جدید هفته | ابوطالب سراغ شهربانو رفت

سعید ابوطالب که این هفته اولین قسمت «شام ایرانی» به کارگردانی او از طریق فیلیمو منتشر شد، در تدارک ساخت برنامه ای استودیویی با موضوع تکریم زنان برای تلویزیون است. این تهیه کننده و کارگردان در گفت و گو با ایسنا، درباره جزئیات برنامه جدید خود در تلویزیون توضیح داد: به تازگی در حال تحقیق و نگارش برنامه ای با عنوان «شهربانو» در شبکه یک سیما هستیم. مجموعه ای استودیویی که در ستایش و تکریم زنان موفق ایرانی است. حدود دو، سه ماهی است که کار طرح و نگارش «شهربانو» آغاز شده و ظرف دو، سه ماه آینده نیز کار کلید خواهد خورد.

اعلام هفته | جشن حافظ در آذر ماه

به گزارش روابط عمومی جشن حافظ، امید معلم دبیر این رویداد از برگزاری بیست و سومین مراسم سینما و تلویزیون حافظ در آذر ماه امسال خبر داد. او در این باره گفت: به سنت هر ساله از یک هنرمند پیشکسوت در این دوره تجلیل خواهد شد و به زودی فراخوان فیلم کوتاه منتشر می شود. گفتنی است که از دوره گذشته، تندیس بهترین فیلم کوتاه به جوایز اضافه شد. مراسم سومین دوره آیین تئاتر و موسیقی علی معلم (تندیس حافظ) نیز برگزار خواهد شد. امید معلم ابراز امیدواری کرد که سومین مراسم اهدای جوایز تئاتر و موسیقی علی معلم در ماه های آخر امسال برگزار شود.





موسیمانه به دنبال ترمیم چهره و وجهه استقلال

با شکستی آبرومندانه و البته یک بازی کاملاً محتاطانه مقابل النصر عربستان پرستاره، کار سهراب بختیاری‌زاده در استقلال به پایان رسید و تمرین بعدی این تیم زیر نظر پیستو موسیمانه برگزار خواهد شد. قبل از سهراب هم این جواد نکونام بود که سرمربیگری استقلال را برعهده داشت و حتماً خاطر تان هست که با مصاحبه‌ها در نشست‌های خبری و ادعاها و حرکات عجیب و غریبش در کنار زمین، چقدر مورد انتقاد بزرگان فوتبال و حتی هواداران تیم خودش قرار گرفته بود. حتی یکی مثل مجتبی جباری هم در مصاحبه‌ای قابل تأمل گفت: «زمان بازی کردن مان فکر می‌کردیم مربیان پا به سن گذاشته بروند، مربیان جوان می‌آیند و تغییرات فنی و رفتاری ایجاد می‌کنند. فنی که هیچ تغییری ایجاد نکرند، از نظر اخلاقی هم واقعاً باید با چراغ قوه دنبال آن قدیمی‌ها بگردی که یک منش و نوع رفتار داشتند. اینها که از نظر اخلاقی افشاح بوده‌اند. خیلی‌ها از نتایج استقلال زیاد ناراحت نیستند اما ناراحتند از اینکه چنین تصویری از استقلال در فوتبال ایران به نمایش گذاشته می‌شود. این اتفاقات باعث شده که نگاه خیلی‌ها به وجهه استقلال نگاه بدی باشد.» احتمالاً خیلی‌ها، چه استقلالی و چه غیراستقلالی، با صحبت‌های جباری موافق هستند. در ماه‌های گذشته حاشیه، بیشتر از هر نکته فنی و فوتبالی، استقلال را آزار داد اما حالا هواداران این تیم امیدوارند موسیمانه، بدون توجه به این حواشی، بدون مانور زیادی روی اتفاقات کنار زمین، بدون هیچ بداخلاقی و توجیه و فراقفتی، تیمش را آماده حضور در میادین بعدی کند. موسیمانه قطعاً به خیلی از مسائل پیش پا افتاده اهمیت نمی‌دهد و تمرکزش را روی مسائل فنی خواهد گذاشت. این یک امیدواری بزرگ برای استقلال و هوادارانش است.

ایران به رونالدو نمی‌سازد

فوق ستاره فوتبال جهان در مصاف با تیم‌های ایرانی عملکرد درخشانی نداشته است

نادر نامدار | کریس رونالدو بی‌تردید یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ فوتبال جهان است. از آن دسته بازیکن‌ها که مردم و علاقه‌مندان به فوتبال در هر کشوری، آرزو دارند او روزی مقابل تیم مورد علاقه‌شان قرار بگیرد و بازی کند. این اتفاق به شکل جالب و غیرمنتظره‌ای برای فوتبال ایران رخ داده و رونالدو تا امروز ۵ بار با تیم‌های ملی پر تغال و النصر عربستان مقابل تیم‌های ملی ایران، پرسپولیس و استقلال قرار گرفته و اگر اتفاق خاصی رخ ندهد، یک بار دیگر در آینده‌ای نزدیک باید با النصر به مصاف پرسپولیس برود. با این حال عملکرد این فوق‌ستاره در مقابل ایرانی‌ها خوب نیست و اصلاً چنگی به دل نمی‌زند. او یک بار بسا پنالتی دروازه تیم ملی را در جام جهانی باز کرده و یک بار هم ضربه سرش در ریباند مقابل استقلال به گل تبدیل شده است! این گزارش را بخوانید تا کامل‌تر به یاد بیاورید که رونالدو در مقابل تیم‌های ایرانی چه عملکردی داشته است.

گلزنی در اولین تقابل

اولین تقابل رونالدو مقابل فوتبال ایران در جام جهانی ۲۰۰۶ رخ داد. جایی که پر تغال و ایران که با هم همگروه بودند، در روز دوم هر مرحله گروهی به مصاف هم رفتند. رونالدو در آن بازی زنده گل دوم تیمش از روی نقطه پنالتی بود اما نمایش کلی او در آن بازی خیلی جالب نبود. او در صحنه‌ای می‌خواست علی کریمی را با حرکتی تکنیکی دریل کند اما کریمی به شکلی تحقیرآمیز توپ را از او گرفت و رونالدو تعادلش را هم از دست داد و بر زمین افتاد. بعد از آن بازی، قطعاً رونالدو فکر نمی‌کرد قرار است ۴ بار دیگر مقابل تیم ملی ایران و باشگاه‌های ایرانی قرار بگیرد.

بیرو علیه ادامه درخشش کریس

۸ سال بعد، یک بار دیگر با قره شومی که

گزارش

بهترین بازیکن

جهان را دیدیم

وینیسوس در ست در زمانی

که هم تیمی‌هایش به او نیاز

داشتند، ظاهر شد تا نشان

دهد که چرا بیشتر از هر

کسی شایسته دریافت توپ

طلاست

این یک بازگشت طلایی دیگر از رئال بود، اولین برای کیلیان امبابه در برنابئو، ولی چندمین بار برای وینیسوس که او را به یکی از مهم‌ترین رویدادهای تمام دوران حرفه‌ای‌اش خواهد برد؛ رویدادی که به او اجازه می‌دهد به گذشته نگاه کند و به میم‌هایی بخندد که در طول فصل‌های ابتدایی شماره ۷ در برنابئو منتشر شد. او پس از ثبت سومین هت‌تریک خود در لباس سفید، اعتراف کرد: «می‌خواهم همیشه اینجا در رئال باشم و کارهای زیادی برای تیمی انجام دهم که همه چیز را به من داده است.» یک بازیکن نسل سزار، منحصر به فرد، با تنها ۲۴ سال سن، این است وینیسوس خوزه پائینشو دی اولیویرا جونیور، هر بار که تمام پتانسیلش را به جهان فوتبال نشان می‌دهد. وینی وقتی تمرکز و در فضای باز باشد، هیچ فوتبالیستی وجود ندارد که بتواند او را متوقف کند.

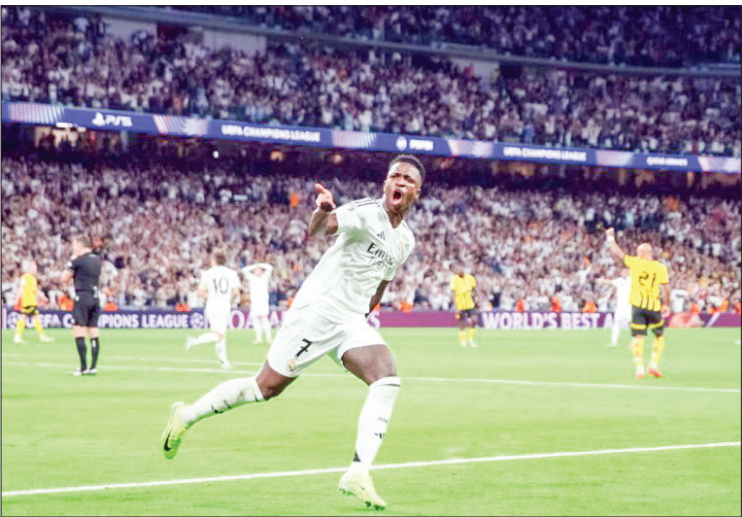
نیمه دوم عجیب شماره ۷

آنچه غیرقابل درک است، همیشه در شب‌های بزرگ برنابئو رخ می‌دهد و در مادرید، در حالی که انتظار بهترین نسخه شماره ۹ (امبابه) را می‌کشند، اتفاق غیرقابل درک توسط وینی تجسم می‌یابد، صاحب توپ بازی که به خانه برد و پیش در آمدی بر اولین توپ طلای او. وینیسوس شب‌هایی مانند

نظر می‌رسید اما مقابل ایران ضعیف‌ترین نمایشش را در جام جهانی روسیه ارائه داد.

ناکامی رونالدو در دوتل با سرخابی‌ها

چند ماه بعد از اینکه کریستیانو رونالدو در انتقالی شگفت‌انگیز و غیرقابل باور به تیم النصر عربستان پیوست، قابل پیش‌بینی بود که تیمش در تورنمنت‌های آسیایی با تیم‌های ایرانی رودرو شود. این اتفاق خیلی زود رخ داد و در لیگ قهرمانان آسیا که فصل گذشته آخرین دوره آن برگزار شد، رونالدو در دو دیدار رفت‌وبرگشت مقابل پرسپولیس قرار گرفت اما موفق به گلزنی نبود. در بازی رفت در تهران، آنقدر کم‌اثر کار کرد که در نیمه دوم تعویض شد و چهره‌اش روی نیمکت بعد از این تعویض، تبدیل به یک «میم» معروف و پرطرفدار در فضای مجازی



چهره روز

این را با حقایق که فصل گذشته با قلم خود امضا کرده توضیح می‌دهد. با این حال، خود آنچولتی هم آنچه را در نیمه دوم برنابئو دید، عجیب دانست. تصور کنید بقیه چه احساسی دارند: «آنچه می‌توانم بگویم این است که دیدن یک بازیکن که نیمه دومی مانند وینیسوس ارائه دهد، عجیب است. و نه فقط به خاطر سه گل، بلکه به خاطر شخصیتش فوق‌العاده‌ای که نشان داد.» شماره ۷ برزیلی در نیمه دوم رنگ عوض کرد. شخصیت او که از زمان ورودش به رئال مادرید نشان داده شده، ممکن است توضیحی برای آنچه در استادیوم اتفاق افتاده باشد.

زیرا وینی همیشه تلاش می‌کند حتی اگر اوضاع از ابتدا خوب پیش نرود، به همین دلیل است که در دقیقه ۸۰ هر بازی هنوز با همان قدرت، انرژی و اشتیاقی که تازه وارد زمین شده، به جلو می‌رود. و قبایش که هر بار با او روبه‌رو می‌شوند به شدت رنج می‌برند. آنها پس از دیدن اینکه هیچ راهی برای خسته کردن برزیلی وجود ندارد، درخواست پایان بازی می‌کنند. می‌توانید از امره‌جان بپرسید که با ماوریت خودکشی‌ای که شاهین به او سپرد، در دقیقه ۷۶ به سمت راست برای دفاع وینی رفت. وینی در پایان بازی گفت: «ها خیلی سلاکت به رخ‌خنکن رفتیم، حرف‌های مری را شنیدیم و وینیسوس.

اصلا شما برای پرسپولیس بازیکن بخر!

پرسپولیس در ششی که کاملاً از حریف خود السد در قطر برتر بود و فرصت‌های گلزنی زیادی را از دست داد، با یک گل مغلوب این تیم شد. حالا پرسپولیس با هدایت گاریدو در لیگ نخیشان آسیا فقط یک امتیاز از ۳ بازی به دست آورده است. این نتایج باعث شده تا بعضی از پیشکسوتان پرسپولیس شروع به انتقاد از گاریدو و مدیران این باشگاه کنند. ملاحمید در خشان گفته: «به نظرم عیار یک مربی برای پرسپولیس در مسابقات آسیایی مشخص می‌شود. من بهار سال ۹۴ پرسپولیس را با ۹ امتیاز تحویل دادم ولی الان پرسپولیس فقط یک امتیاز دارد. نمی‌دانم در چنین شرایطی چرا کسی حرفی نمی‌زند و انتقاد نمی‌کند؟ من را با ۹ امتیاز آسیایی برداشتند ولی الان کسی نمی‌گوید که پرسپولیس سه بار در آسیا به میدان رفته و فقط یک امتیاز گرفته است. در پرسپولیس پول بیت‌المال را دور می‌ریزند؟ همین ژوانو واقعاً در حد پرسپولیس نیست ولی با کدام مکانیزم چنین بازیکنانی جذب می‌شوند؟» او‌لا که قطعاً به گاریدو بابت گل نزدن تیمش انتقاد وارد است و کسی که عادل و منطقی باشد، در مقابل این ضعف سکوت نمی‌کند. اما اینکه بخواهید از این نمد برای خودتان کلاه بدوزید، درست و منصفانه نیست. آقای در خشان! همه دوران حضور شما را به یاد دارند. باز پرسپولیس در این مقطع گندوز و ایوب و اورنوف را جذب کرده که به کار تیم آمده‌اند و فعلاً فقط ژوانو ضعیف ظاهر شده اما در دوره شما یکی مثل جونیور تاندو جذب شد که صدبرابر بدتر از ژوانو بود. اصلاً یک پیشنهاد! چطور است شما با آن سابقه در خشان، مسئول خرید و جذب بازیکن خارجی در پرسپولیس شوید؟



ایران شد. در بازی برگشت هم یک بار سعی کرد با تمارض از داور پنالتی بگیرد که موفق هم شد اما در یک حرکت جوانمردانه که احتمالاً به وجود VAR در بازی هم مربوط بود، به داور اطلاع داد که خطایی روی او صورت نگرفته و داور هم رای خود را تغییر داد. این اما پایان قصه (CRV) مقابل تیم‌های ایرانی نبود؛ چراکه رونالدو سه‌شنبه شب هم در لیگ نخیشان آسیا برابر استقلال قرار گرفت اما باز هم خبری از گلزنی نبود. البته روی گل تیمش تأثیرگذار بود اما نمایش او در این بازی خوب نبود. خودش توقع داشت که به عنوان بهترین بازیکن زمین معرفی شود اما این عنوان به امریک لاپورت رسید و رونالدو با ناراحتی زمین را ترک کرد تا یک خاطره تلخ دیگر از فوتبال ایران برای

او باقی بماند.

آخرین فرصت کریس

رونالدو در ۴ بازی اخیر مقابل تیم ملی ایران و باشگاه‌های ایرانی یک ضربه پنالتی از دست داده، ۱۶ شوت زده که ۷ تای آنها در چارچوب بوده، ۴ خلق موقعیت، ۵ در بیل موفق و صفر گل حاصل عملکرد ابرستاره فوتبال جهان در ۵ دیدار اخیر مقابل ایرانی‌ها است. البته که رونالدو در مسیر ثبت گل پیروزی‌بخش النصر تأثیرگذار بود و روی ریباند ضربه او، آیمرک لا پورت موفق شد گلزنی شود. النصر در هفته پایانی لیگ نخیشان آسیا، روز ۲۹ بهمن‌ماه میهمان پرسپولیس است که باید دید در آن مسابقه طلسم رونالدو برابر تیم‌های ایرانی شکسته خواهد شد یا خیر.

اکرم عفیف مرد سال فوتبال آسیا شد

در اتفاقی غیرمنتظره، سون هیونگ مین ستاره کره‌ای پس از ۹ سال متوالی، عنوان مرد سال آسیا را به اکرم عفیف، ستاره قطری واگذار کرد. این تغییر قدرت در فوتبال آسیا، نشان از تحولات جدیدی در این قاره دارد. قهرمانی قطر در جام ملت‌های آسیا و درخشش اکرم عفیف در این رقابت‌ها، نقش مهمی در کسب این عنوان توسط او داشته است. در حالی که سون هیونگ مین نیز عملکرد خوبی داشته اما نتوانسته به اندازه اکرم عفیف بدرخشد. دوازدهمین دوره از مراسم بهترین‌های آسیا (معروف به توپ طلای آسیا) در سال ۲۰۲۴ با ۲۰ هیأت داور متشکل از ۶۳ کارشناس فوتبال شامل روزنامه‌نگاران سرشناس و مطرح فوتبال آسیا برگزار شد تا بهترین بازیکن آسیایی یا شاغل در فوتبال آسیا انتخاب شود. این تغییر در صدرنشینی، نشان می‌دهد که رقابت برای کسب عنوان بهترین بازیکن آسیا بسیار نزدیک و جذاب شده است.

زمان پایان نیم‌فصل لیگ برتر مشخص شد

رقابت‌های فصل ۱۴۰۳-۱۴۰۴ لیگ‌برتر ایران که از روز ۲۵ مرداد آغاز شد، در حال حاضر هشت هفته را پشت سر گذاشته که هفت بازی باقی‌مانده نیز طی ۷۰ روز آینده انجام خواهد شد. طبق برنامه جدید سازمان لیگ، مسابقات هفته پانزدهم لیگ برتر تا دیدار هوادار تهران و پرسپولیس در روز چهارشنبه، ۱۲ دی در ورزشگاه شهدای شهرقدس آغاز می‌شود و آخرین بازی نیم‌فصل اول را هم تیم‌های فولاد خوزستان و ملوان اترلی در روز پنج‌شنبه، ۱۳ دی در ورزشگاه شهدای فولاد انجام می‌دهند.

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای محمد کهن سال باستناد دو برگ استشهد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰ زاهدان رسیده مدعی است که سند مالکیت ۳۲۷۹۳۱ با ۹۹ یکباب منزل ۵۵۴۷/۴-اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان کوی کارگران با شماره الکترونیکی ۱۰۰۹۲۸۹-۱۴۰۲۰۲۲۲۰۰۱ بعلت جابجائی از بین رفته درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده لذا مراتب باستناد تبصره یک ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مرقوم می باشد از تاریخ نشر این آگهی طرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نمایند تا مورد رسیدگی قرار گیرد والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

۱۵۶م الف رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک زاهدان - عباسعلی اکبری شناسه آگهی ۱۸۱۳۸۵۱ ۵۶

گوشه و کنار مستطیل سبز

کور توا و رودریگوال کلاسیکو را از دست دادند

مصدومیت رودریگو در بازی خانگی رئال مادرید برابر بوروسیا دورتموند در هفته سوم مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا، او را از بازی شنبه هفته آینده کهکشانی‌ها مقابل بارسلونا باز خواهد داشت. رودریگو در دقیقه ۸۵ جای خود را به اورلین شواشنی داد. او اگرچه درخشش فصل گذشته را نداشته اما هنوز جزو مهره‌های کلیدی تیم کارلو آنچلوتی است و در بازی مقابل دورتموند هم با حفظ توپش نقشی بسزا در ثبت سومین گل رئال توسط واسکز داشت، البته در همان پروسه او از ناحیه ران دچار درد شدیدی شد که چهره‌ای هنگام شرکت در جشن پس از گل واسکز هم این موضوع را تأیید می‌کرد. طبق اعلام نشریه ا اس، رودریگو امروز تحت معاینات تکمیلی و تصویربرداری قرار می‌گیرد اما در هر صورت او بازی شنبه هفته پیش روی تیمش برابر بارسلونا در اولین ال کلاسیکو فصل را از دست خواهد داد. کارلو آنچلوتی نیز در نشست خبری پس از بازی تأیید کرده بود که رودریگو دچار مصدومیت عضلانی شده است. همچنین تیبو کورتوا، دروازه‌بان بلژیکی رئالی‌ها نیز به دلیل مصدمیت از ناحیه ران چپ قادر به همراهی کهکشانی‌ها در ال کلاسیکو پیش رو نخواهد بود. از بازی‌های اولیه نشان می‌دهد که کورتوا تا سه هفته دور از میادین فوتبال خواهد بود.

باز گشت نیمار به تیم ملی برزیل

نیمار برزیلی پس از یک سال دوری از میدان به دلیل جراحی زانویش در بازی دور سوم لیگ قهرمانان آسیا - نخیشان در ترکیب الهلال عربستان برابر العین امارات به میدان رفت. دیداری که با پیروزی ۵ بر ۴ الهلال به پایان رسید. بر اساس گزارش روزنامه UOL، برزیل؛ دوریفال جونیور، سرمربی تیم ملی فوتبال برزیل به دنبال پایان دوران طولانی مدت مصدومیت نیمار و آمادگی این بازیکن می‌خواهد او را برای اردوی بعدی تیمش در ماه نوامبر فرا بخواند. نیمار در اکتبر ۲۰۲۳ در جریان بازی تیم ملی فوتبال برزیل برابر اروگوئه آسیب دید و به دلیل پارگی رباط صلیبی در کشورش تحت عمل جراحی قرار گرفت. نیمار دوشنبه شب گذشته در دقیقه ۷۷ بازی الهلال برابر العین در لیگ نخیشان آسیا وارد زمین شد تا پس از یک سال یک بازی رسمی انجام دهد.

مادرید یا باکو میزبان فینال لیگ قهرمانان

پس از آنکه سن‌سیرو میلان از رقابت کنار رفت، حالا دو ورزشگاه متروپولیتانو و المپیک باکو برای میزبانی از فینال لیگ قهرمانان ۲۰۲۷ گزیده‌های اصلی هستند. متروپولیتانو قبلاً در سال ۲۰۱۹ میزبان فینال بود. همچنین نیوکمپ نیز درخواست میزبانی از فینال زنان را ارائه داده است. یوفا دیروز به‌طور رسمی اعلام کرد متروپولیتانو در مادرید برای میزبانی فینال لیگ قهرمانان ۲۰۲۷ نامزد شده است. پس از آنکه سن‌سیرو در میلان به دلیل عدم توانایی در اتمام پروژه‌های عمرانی به موقع، از رقابت کنار رفت، متروپولیتانو با استادیوم المپیک باکو در آذربایجان، دیگر نامزد، رقابت خواهد کرد. متروپولیتانو قبلاً در سال ۲۰۱۹ میزبان فینال لیگ قهرمانان بود، زمانی که لیورپول قهرمان اروپا شد و در یک جشن فوتبال انلتیکو این مسابقه بدون هیچ حادثه‌ای در شهر مادرید و ورزشگاه اولتیمو پر برگزار شد. فینال‌های بعدی لیگ قهرمانان تا سال ۲۰۲۷ تأیید شده‌اند: فینال این فصل در سال ۲۰۲۵ در مونیخ و فینال سال ۲۰۲۶ در بوداپست خواهد بود. در مورد فوتبال زنان، نیوکمپ نیز یکی از نامزد‌ها برای میزبانی فینال لیگ قهرمانان در سال ۲۰۲۷ است. این ورزشگاه با ورزشگاه ملی ورشو، سن‌یاکوب در بازل و استادیوم ملی ولز رقابت می‌کند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه دو

هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۲۷۴-۳۳۰-۱۴۰۳۶-۱۴ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان ناحیه دو تصرفات مالکانه بالاعمارض متقاضی محمد تقدسی فرزند محمد صاقق بشماره شناسنامه ۲۷۲۷ صادره از - در ششداگ یک باب ساختمان مشتمل بر مغازه و انباری تجاری با نوع کاربری مختلط /قسمتی از ۱۷۵- اصلی واقع درحومه بخش۲ حوزه ثبت ملک همدان- ناحیه دو پلاک ۱۱۲۰۰ فرعی از ۱۷۵ اصلی واقع در حومه ۲ همدان بلوار الغدیر خریداری (مع الواسطه) ازمالک رسمی حسین قدیمی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .

تاریخ نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۷/۱۷

تاریخ نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

م. الف : ۱۳۱۲

حمید سلگی - رئیس اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابررای شماره۳۲۳۲۸-۱۴۰۳۲۳۲-۱۴۰۳۲۲۷مورخه۱۴۰۳/۰۷/۱۷هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردراحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بالاعمارض متقاضی شهریار حاتمئ آزادفرزندعبسی بشماره شناسنامه ۵۹۷صادره ازاسدآباد درششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۸۷/۳۳ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۵۲اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستایی ولی آباد خریداری از مالک رسمی حسن حاتمئ فرزند عبسی موضوع سند شماره ۶۳۹۱۴ مورخ ۱۳/۰۲/۱۳۹۹تقر۱۹ اسدآباد محرز گردیده است.لذله منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودر صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توننداز تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهد شد. م الف ۱۱۸۹

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸

نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

محسن حصرئی
رئیس ثبت اسناد و املاک اسدآباد

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابررای شماره۲۲۳۲۸-۱۴۰۳۲۳۲-۱۴۰۳۲۲۷مورخه۱۴۰۳/۰۷/۱۷هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردراحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بالاعمارض متقاضی شهریار حاتمئ آزادفرزندعبسی بشماره شناسنامه ۵۹۷صادره ازاسدآباد درششداگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۸۷/۳۳ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۵۲اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستایی ولی آباد خریداری از مالک رسمی حسن حاتمئ فرزند عبسی موضوع سند شماره ۶۳۹۱۴ مورخ ۱۳/۰۲/۱۳۹۹تقر۱۹ اسدآباد محرز گردیده است.لذله منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شودودر صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توننداز تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهد شد. م الف ۱۱۹۱

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸

نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

محسن حصرئی
رئیس ثبت اسناد و املاک اسدآباد

۲۵۰ فیلم ، شمارش معکوس - ۱۲

جاسوس‌ها و اشراف‌زاده‌ها

دوازدهمین قسمت از پاورقی جدید ما. گذری از ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام و در یک شمارش معکوس. شایدانتخاب مثلاً ۱۰۰ فیلم معقول تر بود اما هر کاری کردم فهرستم کمتر از ۲۵۰ فیلم‌نشد. آن دسته از فیلم‌های ایرانی هم که به نظرم جذاب می‌آمدند، در لابه‌لای این نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیستند اما به نظرم همین غیرقابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد! کم کم داریم به قسمت‌های خوب این شمارش معکوس نزدیک می‌شویم.این هفته در میان فیلم‌های معرفی شده کلی آثار مشهور تاریخ سینما قرار دارند .



۱۳۷ سوختن. اقتباس زیبای لی چانگ دانگ از یک داستان نوشته هاروکی موراکامی. روایت فیلم در ستؤل در منطقه مشهور گانگام و همین‌طور در حومه این شهر می‌گذرد. یک خط داستانی شبه هیچ‌کاکِی که روایت شیفتگی یک دانشجوی فقیر ادبیات به یک دختر رقصنده است و رقابتش با یک پسر پولدار خوش قیافه که در قبال غیب شدن دختر ک، رفتار مرموزی را از خود نشان می‌دهد و فیلم به تدریج به یک داستان جنایی حلول می‌کند. سوختن مطمئنا کاملترین فیلم لی چانگ دانگ سینماگر سرشناس کره‌ای است. Burning.2018

۱۳۶- مادو. یکی از مهجور ترین فیلم‌های کلود سوته. با داستانی پرپیچ و خم که از مسائل مالی شروع می‌شود و به یک حسادت عاشقانه مدل فرانسوی می‌رسد و بعد پایانی جنایی و تلخ دارد و در وسط این داستان پرفراز و نشیب و ملتعب، آنچه شما می‌بینید گرماست و عشق به زندگی و زیبایی‌هایش. از دیدن مادو مطمئنا سر خورده نخواهید شد.

Mado.1976

۱۳۵-خورشید می‌درخشد.یکی از فیلم‌های کوچکی که فورد در لابه‌لای پروژه‌های بزرگش بر می‌داشت و به انجام می‌رساند. فیلمی که مثل بهترین آثار فورد در مرز بین درام و کمدی در حرکت است و به شکلی زیرپوستی مقاومت تماشاگر را در هم می‌شکند و احساساتش را به غلیان وا می‌دارد و در انتها می‌بینی که به خاطر انساندوستی یک قاضی پیر در شهری کوچک در غرب آمریکای قرن نوزدهم چشمانت تر شده‌اند.

Sun shines brightly.1953

۱۳۴-مغازه سرنیش. یکی از تغزلی‌ترین و انسانی‌ترین فیلم‌های ارنست لوییچ. درباره دو کارمند یک مغازه چرم و کیف در بوداپست که در زندگی روزمره مدام در چالش با یکدیگر هستند بدون آنکه بدانند بهترین دوستان مکانیهای هم هستند و از روی کاغذ و قلم به یکدیگر عشق می‌ورزند. با بازی‌های درجه یک از جیمز استوارت و مارکارت اوسالیوان. این فیلم لوییچ واقعا با بقیه فیلم‌هایش متفاوت است .

Ashop around the corner.1940

۱۳۳- زنی پشت ویتترین. این فیلم فریتس لانگ می‌توانست یکی از مهم‌ترین فیلم نوآرهای تاریخ سینما باشد. کمک‌های یک دکتر روانپزشک به یک زن خیابانی که ناخواسته واسطه خود را می‌کشد و با کمک دکتر روانپزشک با بازی درخشان ادوارد جی رابیسنسون می‌خواهد از شر جسد و بقایای جنایت خلاص شود. فیلم سیاه‌ترین حالت ممکنه را دارداما در انتهای داستان احتمالافریتس لانگ و تهیه کنندگان فیلم از برجای گذاشتن چنین اثر تلخ و سیاهی به هراس افتاده‌اند و ترجیح می‌دهند غیر متقاعد کنند، کل داستان را کابوس دکتر در هنگام چرت زدن در یک باشگاه تفریحی قلمداد کنند !

A woman by the window.1943



۱۳۲- همیشه فردایی هست. یکی از صمیمی‌ترین و دوست داشتنی‌ترین ملودرام‌های داگلاس سیرک کارگردان نامدار هالیوود. با هنرنمایی سه بازیگر بزرگ فرد مک مورای و باربارا استرایسند و جوان بنت. یک سیاه و سفید جمع و جور و گرم و داستان مردی خانواده‌دار که به معاشرت با زنی می‌پردازد که در دوران جوانی به هم دلباخته بودند. فیلمی که به رغم این خط داستانی بسیار نجیبانه و بسیار تاثیر گذار است .

There is always tomorrow.1956

۱۳۱- یوز بلنگ. فیلم پر شکوه لوکینو ویسکونتی بر مبنای رمانی از جوزپه دی لامیه دوزا. با انبوهی از ستاره: برت لنکستر، آلن دلون و کلاودیا کاردیناله. روایت یک اشراف‌زاده میانسال با عقاید چپگرایانه که در میانه جنگ استقلال ایتالیا زندگی‌اش دستخوش توفان می‌شود. سبک فاخر ویسکونتی و حرکات دوربین موزون و زیبایش فصل‌های فوق‌العاده‌ای را در ایسن فیلم طولانی رقم می‌زند. ویسکونتی هرگز نتوانست به کمال زیبایی شناسانه یوز بلنگ در دیگر آثارش نزدیک شود.

The leopard.1963

۱۳۰- بی‌آبرو. یکی از بهترین فیلم‌هایی که اشترنبرگ با مارلنه دیتریش ساخت و آکنده است از ترفندهای بصری خاص کارگردان در بازی با نور و اشیا و البته زنانگی. داستان زنی بدنام که در بازی عشق قبول می‌کند نقش یک جاسوس را در عملیاتی خطرناک در هنگامه جنگ اول جهانی ایفا کند. ریمن فیلم عالی است و ضرباهنگ فوق‌العاده‌ای دارد.

Dishonored.1931

سر نوشت عجیب نسل سوم

درباره هفت بازیگری که در دهه هشتاد درخشیدند و حالا به کنج عزلت خزیده‌اند



برای تحصیل فلسفه به آلمان رفت و دست سرنوشت خزر معصومی را که حقوق می‌خواند، به بریل کشاند. این هفت نفر بازیگرانی بودند که می‌توانستند شور جوانی‌شان را فارغ از آن هاله ستاره‌وش ستارگان نسل قبل به تصویر بکشند. جوانی‌شان آن قدر پرشور بود و آن قدر پر سر و صدا بود که می‌توانستند احساسات زنانه را تحت‌الشعاع قرار دهند(همین مسئله خط فاصل این هفت بازیگر با امثال هانیه توسلی و طناز طباطبایی و یا در لولی دیگر رعنا آزادی‌ور است که دهیه تهرانی پخته‌تری از ذات و جاذبه زنانه را به نمایش می‌گذاشتند) آنها می‌توانستند به شکلی مداوم نارضایتی خود از شرایط را نشان بدهند. آنها نماینده جوان‌های ناراضی طبقه متوسط، روی پرده سینما بودند. در فیلم‌هایشان مدام با مردسالاری در کشاکش بودند و مدام در حوالی کاراکتر دختر (زن) قربانی می‌که خواهد مستقل باشد در حرکت بودند. خالص ترین نمود این نگاه به جامعه را در دو فیلم نفس عمیق (نیکی و لیل و هدیه) به شکل خفوف سر می‌دادند، به صدایی بلند و گاه حتی آزارنده تبدیل کردند. البته که می‌توانیم به جای این ۵ بازیگر از هفت بازیگر یاد کنیم. چرا که مریم پالیزبان در نفس عمیق کامل‌ترین پر تره نسل سوم‌ی‌ها را به نمایش گذاشته بود و خزر معصومی هم در به رنگ ارغوان کاراکتری متقاعد کننده از خواسته‌ها و حرکات این نسل را نمایش داده بود. اما خب هر دو ایران را برای تحصیل ترک کردند. مریم پالیزبان

مدلی از دغدغه‌ها را ر ابعادی کوچک‌تر به سینمای ایران عرضه می‌کردند و غرب‌تر ایسن که ایسن فیلم‌های خاص عموما با بودجه یا حداقل با کمک مالی خود همان دولت تولید می‌شدند! خب حال به شکلی نمداین و گویا، همه این هفت بازیگر از صحنه سینمای ایران دور شده‌اند. به دلایل مختلف. گلشیفته فراهانی که از سال ۱۳۸۹ در خارج از کشور به سر می‌برد و به یک بازیگر متوسط سینمای فرانسه و گاه هالیوود بدل شده است، پگاه آهنگرانی دو سال پیش به خارج از کشور رفت آنهم در حالیکه در آخرین فیلمی که بازی کرد در سال ۱۳۹۹ در نقش یک دختر سنتی و چادری ظاهر شد و از جشنواره فجر سیمرغ بلورین گرفت. ترانه و باران به خاطر فعالیت‌هایشان دچار محرومیت از حضور سینمایی هستند. فیلم تفریق هم که احتمالا بهترین نقش آفرینی عمر او بود در پلتفرم‌های خانگی ارائه شد. باران کوثری هم بعد از ایفای نقش جنجالی فروغ در فیلم پدرش، فعلا فعالیت دیگری ندارد. نگار جواهریان هم بعید است به این سادگی به دایره سینما بازگردد. در مورد مریم پالیزبان و خزر معصومی که قبلا گفته بودیم. به این ترتیب این گروه هفت نفره از بازیگران نسل سوم در گذر از چهل سالگی، نماد همه چالش‌های طبقه متوسط با دولت و حاکمیت هستند. هر چند آنها در اتفاقات پاییز ۱۴۰۱ نقش مرجعیت نداشتند. اگر یک اتفاق سیاسی را به این نسل بخواهیم مربوط کنیم باید به ماجرای سال ۸۸ برگردیم و با قبل‌تر

از آن در انتخابات ۷۶ و ۸۰. آ یا باز یگران خوبی بودند؟ بودند! هر چند نگارنده به ندرت با سبک بازی آنها احساس راحتی می‌کرد. شاید بهتر است بگویم به تدریج باز یگرهای خوبی شدند. به لحاظ فنی مثلاً ترانه علیدوستی و نگار جواهریان در مرور زمان به بازیگران بهتری بدل شدند. این واقعیتی است که گلشیفته فراهانی در سال‌های حضور در ایران به ندرت بازی متقاعد کننده‌ای از خود بروز می‌داد. باران و پگاه اما بازیگرانی متناوب بودند. گاه اسیر کلیشه‌های دختر خوش قلب طبقه متوسط ایرانی و گاه در برخی فیلم‌ها با نشانه‌هایی آشکار از هنر بازیگری.

اما از این متولدین نسل سومی دهه شصتی، دو بازیگر هستند که چندان به این دغدغه‌های نسلی التفاتی نداشتند. الناز شاکردوست که در بدو ورود به سینما کلاد در یک خط دیگر حرکت کرد و پرنیز ازبیدار که خیلی دیر به این جمع از نمایندگان نسل سوم پیوست. آخرین کسی که به عنوان بازیگر نقش زنان متولد دهه شصت در عرصه سینما ظاهر شده و توانسته نقش‌هایی را ایفا کند که بیانگر خواسته‌ها و چالش‌های آن نسل هستند، هدی زین‌العابدین است. بازی او در در انتهای شب یک نمایش کامل از همان دختران پرشوری است که دو دهه قبل توسط ترانه وباران و پگاه نقش‌هایشان بازی می‌شد و حالا در قالب یک زن ۴۰ ساله به گذشته خود و تصمیماتش با حسرت نگاه می‌کند...

زنان

اقتباس آزاد؟

مهرداد حجتی در صفحه اینستاگرام درخشانش این روایت را ذکر کرده است: فیلم «خاک» را کیمیایی بر اساس داستانی از محمود دولت‌آبادی ساخت. «اُوسنه باباسبحان». سال ۱۳۵۱ در اطراف دزفول. فیلم که اکران شد، دولت‌آبادی اعتراض کرد. شهر یوز ۱۳۵۲. کیهان از قول او نوشت : «فیلم خاک را دیدم. فیلم من را منقلب کرد. اول به لحاظ دگرگونی‌هایی که در پایه‌های اساسی «اُوسنه باباسبحان» ایجاد شده بود. دوم به لحاظ ساخته شدن پاره‌ای لحظات درخشان در این فیلم و از بر خورد این دو جبهه درست و نادرست که در داستان باز شده، منقلب شدم. مسعود کیمیایی عزیز با تغییرات پایه‌ای که در داستان باباسبحان داده است نه تنها خود را فرو گذاشته بلکه دیدگاه اصلی داستان را تغییر داده‌است. «اُوسنه باباسبحان» بر محور اقتصادی خرده زمین‌داری — خرده دولتمندی شهری دور می‌زند... کیمیایی ... جهت نگاه داستان را تغییر می‌دهد تاحدی که من نمی‌توانم با سکوت از کنار آن بگذرم. من کار کیمیایی را در فن و تکنیک و خلق بعضی صحنه‌ها ستایش می‌کنم اما آگاهانه یا ناآگاهانه کیمیایی در ارائه داستان به صورت فیلم، زاویه‌ای جدا از زاویه دید من انتخاب کرده‌است و من خود را با نظر گاه او در تضاد می‌بینم. من متاسفم! نه برای خودم زیرا تاب شنیدن زخم زبان و آن را دارم. حتی برای کیمیایی هم متأسف نیستم چون او باز هم فیلم پر فروش ساخته‌است... من تنها برای «اُوسنه باباسبحان» متاسفم. دلم می‌خواست از یک داستان ملی، فیلمی چنان آملی ا ساخته شود. چنین می‌پنداشتم اما نشد و بابا سبحان‌ها به تاراج رفتند. بیکار در زمین و یکبار در فیلم!»

کیمیایی سال‌ها بعد – خرداد ۱۳۹۳ در گفت‌وگو با مهر دادحجتی، منتشر شده در شرق – گفت:

«آن موقع که قصه را از آقای «دولت‌آبادی» خریده بودم، ایشان نویسنده وسیع و پهنآوری نشده بودند. علاقه داشتند در فیلم بازی کنند– نقش «مسبب» را علاقه داشتند خودشان بازی کنند. نقشی که «فرامرز قریبیان» بازی کرد– علاقه داشتند دستیار کارگردان باشند که هیچ کدام اتفاق نیفتاد. نشند، بدشانی من بود ... آقای «دولت‌آبادی» قابل احترام است برای من. اما پشیمانم از ساختن فیلم «خاک»، چون پر از تنش بود. پر از اضطراب بود. آن زن چرا اینطوری شد؟ آن مرد چرا اینطوری شد؟ در صورتی که من کاغذ گرفته بودم آزادم هر کاری می‌خواهم بکنم. کاغذش هم هست هنوز . یعنی اقتباس آزاد گرفتم از ایشان...آن زمان آقای دولت‌آبادی هنوز این وقار و سنگینی حالا را نداشت. هنوز اوایل بود. به‌هر حال جوانی است.»



که پیشنهاد استقلال رسید. نکته این که درصد برد این مربی در آهبا تنها ۳۳ درصد بود که پایین‌ترین آمار او در طول دوران مربیگری‌اش است.

حقوق بالا

به نوشته رسانه kickoffدستمزد ثابت پیتسو مسیمان در استقلال تا آخر فصل جاری ۹۰۰ هزار دلار تعیین شده و همراه با آشن پاداش از ۲۰ درصد حقوق اولیه بوده

و در قرارداد او هیچ‌گناخته شده، این رقم به ۱ میلیون و ۸۰ هزار دلار بالغ می‌شود؛ یعنی حدود ۷۰ میلیارد تومان نا قابل که فقط به حساب آقای سرمربی واریز می‌شود. حقوق و پاداش هر یک از دستیاران خارجی وی نیز حداقل ۲۰۰ هزار دلار برآورد می‌شود که اگر ۱ نفر باشنند، رقمی بیش از ۵۰ میلیارد تومان هم سهم آنان خواهد شد؛ این یعنی مدیران باشگاه استقلال تا پایان فصل باید ۱۲۰ میلیارد تومان صرف کادر مربیگری خود کنند که رقم بالایی است و با توجه به سقف بودجه معلوم نیست چگونه تامین و تشریح خواهد شد. امیدواریم اگر باشگاه استقلال این خرج و مخارج را متحمل شده، حداقل در زمین فوتبال و نتیجه‌گیری خواسته هواداران خود را برطرف کند که این مهمتر از هر چیزی است.

آرتین ابراهیمی اول بحث اجازه دهید تاکید کنم شخصاً مخالفتی با سرمربی جدید استقلال ندارم؛ چون هنوز نحوه سازگار شدن او با وضعیت موجود و کنار آمدن با مشکلات

تیم و حس نزدیکی با بازیکنان و هواداران نامعلوم است؛ پس این مقاله چالش جدید مربیگری مرد آفریقایی در تیم آبی را نقد نمی‌کند. به گذشته دور او هم کاری نداریم که چگونه در فوتبال تپی از ستاره آفریقا برنده شده و جام برده است. فوکوس ما صرفاً روی آنالیز سال‌های نزدیک مربیگری وی در تیم‌های تقریباً مطرح عربی است و در کنار آن توصیه‌ای هم به تیم پُر تعداد مدیریتی استقلال داریم که اخلاق و رفتار سرمربی جدید و گرافیمت تیم چگونه است.

آفریقا

آفریقای جنوبی بزرگ‌ترین صادرکننده طلا و کشوری بزرگ و پیچیده در جهان امروز است که می‌توان از منظر «حق زندگی» با طعم سیاست و هنر و ورزش به آن پرداخت. سیاه‌پوستان این کشور با گذر از کابوس آپارتاید، زندگی مسالمت‌آمیزی در کنار سفیدهای مهاجر از انگلیس، هلند، آلمان و... دارند؛ اگرچه هنوز هم می‌توان زخم‌ها و تفاوت‌ها بین ساکنان آسمان خراش‌های کیپ‌تاون با حومه‌های مسکونی جنوب شهری نظیر «سووتو» را مشاهده کرد.

یکی از مناطق الهام‌بخش آفریقای جنوبی در شهر بزرگ ژوهانسبورگ، تپه مشروطه (Constitution Hill) است که در ک جامعه از پیامدهای تاریخی و حقوقی مبارزه با نژادپرستی را سبب می‌شود. این مکان در باروی قلعه‌ای قدیمی قرار گرفته که دو قرن قدمت دارد و زمانی بازداشتگاه افرادی چون نلسون ماندلا هم بوده است؛ مبارز

هنر

گالری هنر ژوهانسبورگ با عنوان اختصاری AG ابرزگ‌ترین کلکسیون هنری آفریقا بوده و مجموعه‌ای باورنکردنی از آثار اروپایی قرن ۱۷ و ۱۸ و اشیاء و نقاشی‌ها و صنایع دستی هنرمندان سیاه‌پوست سنتی آفریقایی را در خود جای داده است. موزه هنر ویتس (Wits Art Museum) در سال ۲۰۱۲ تکمیل و راه‌اندازی شده نیز اولین مجموعه هنر مدرن آفریقایی است که دارای برنامه‌ای پویا از رویدادها و نمایشگاه‌ها بوده و برخوردار از ۱۰ هزار اثر خارق‌العاده است.

ورزش

راگی ورزش اول آفریقای جنوبی است که بسیار مورد توجه جوانان این کشور قرار دارد. آنها در این ورزش سرآمد هستند و قهرمان جام جهانی ۲۰۰۷ نیز شده‌اند. کریکت ورزش دوم آنهاست که یک بازی سنتی و محبوب نزد اهالی این کشور محسوب می‌شود. فوتبال ورزش سوم آفریقای جنوبی است که طی دو دهه اخیر چند بازیکن تقریباً معروف هم داشته‌اند: لوکاس رادبه (لیدر یونایتد)، کونینین فور چون (منچستر یونایتد و التیکومادرید)، بنی مک‌کارتی (آزاکس و پورتو) و دلرون بالکی (دورتموند). آیلندا پاتوسی هم که معرف حضور تان است. تیم ملی آفریقای جنوبی با لفظ محلی «بافانا بافانا» هم خیلی سابقه مهمی ندارد و تنها امتیاز آنها، میزبانی جام جهانی ۲۰۱۰ بوده است که در همان دور

شکایت میلیون دلاری

سرمربی آفریقایی فصل ۲۳-۲۰۲۲ به الاهلی جده که در لیگ سطح ۲ عربستان موسوم به Yelo League حضور داشت، پیوسته قرارداد او به نحوی تنظیم شده بود که در صورت صعود الاهلی، به مدت یک فصل دیگر تمدید شود؛ اما این بند هرگز فعال نشد و به همین سبب مسیمان از الاهلی به فیفا شکایت کرد. به نوشته وب‌سایت sportnewsafrika.com در ادعای خود استقلال کرد باشگاه الاهلی باوجود اخطار قبلی و مهلت ۱۵ روزه برای ابهام‌زدایی از پرداخت حقوق معوقه، بند تمدید خود کار و فسخ یکطرفه قرارداد،



گولت را بخورم قناری!

شیدا خلیق، گار ینشا، محرملی خان، مراد برقی، حبیب کاشانی و کوئیده ۸۰ تومنی...

۹۱۳۴۷۱: استاد افشار عزیز اگر گلایه مرا به فاز شوخی نمی‌اندازی لطف کن به استاد خوشخوی عزیز چو چار در صفحه ۱۰ روزنامه پنجشنبه ۲۶ مهر عکسی از شیدا خلیق و همسرش در کنار دو سنگ خانگی‌نشان کار کرده‌اید نمی‌گویم تبلیغ برای نگهداری از سنگ می‌کنید اما این کار، قبیح نگهداری از سنگ را تریزید. رسانه‌ال، الگوساز است. مردم می‌پندند یاد می‌گیرند.

❗❗❗ لایند این همه طرفداران ای ششار نگهداری حیوانات خانگی را هم که در سراسر شهر می‌بینی ما یادشان داریم پت‌بازی کُنن؟ پس عجب قدرتی داریم ما مردم حبس‌ای‌الان سنگ را می‌آیند، بی‌بی می‌کند و پت خانگی! هر کی‌و بی‌بینی به فقره چپ‌را پا انداخته تنگ دلگ و داره باداش می‌ره دیتا از قدیم گفتن با به عکس، دنیا طوله نمی‌شودا

[آخ]، بريد كنسار كه ايرام ديگه جوشي اورد(ه) شده، ديگه دندون‌رو ل كرم جسيديه به اون نمراد! جسمه كن اودمدي پشت، همزمان هم دنونام سفيد پنچالي شدم كه ترموستاتمو كندم و انداختم جلوي سگا، به جاش، ابرامو شستري كردم(خدایا) متونم دارم تا اين كفتار هابي يافوايي كه من دارم، فردا يا به من ارز و لغور، اوداجم!

۹۱۹۶۶۲: شما (تا-ها) بيشتر به نظر می‌رسه دین کوشی‌هایی که هوش مصنوعی‌رو پشتیبانی می‌کنه تبلیغ می‌کنین، و گرنه این همه وحشت معنی نداره. این هوش مصنوعی آدامسه میکروچیپ‌های حک مغزه.

❗❗❗ تو حالا تو این عمر ۲۰ (سالها) کسی ...

صدام نگرده بود که اونم کردیدا دمتون گرم. (حالا می‌فهمم چرا از قتل‌ها با این واژه «ت» نته‌لانی دارم! بس که از موسیقی لاکمی‌اش خوش می‌امد)

۹۰۴۴۴۷: آقای افشار، من خریدار کیده‌های چرم اهدایی «شباب‌های تهران» هستم، قول‌شو به کسی ندین.

❗❗❗ مرح حبس‌ای، اون لو‌سو رو ننه خوردا همین شب بدم یوتیک چرسازی معرفه که بیستم معادل پولش را نقد بر می‌کردون که خرج درمان بروسستاتم کنم اما قبول نکردن... (حتی به جرمیه ۲۰ درصدش هم راضی بودم به جان خوردم).

بعدهش گفتن فقط معلومه، منم که دنبال زیرشاواری چرم نبودم! پول لازم بودم. آخرش پولی بریلی برده و داشت. یک کم توضیح می‌دن راجع به این بازیکن؟

❗❗❗ والله من اونقد گار ینشا تو زندگی‌ام دارم رفت به جاشون، دوتا کاپشن چرم گرفت و ششمد

گفته بودی کيفارو قالبی می‌کردم به خودت! البت فیتنی-فیتنی.

۹۲۶۲۲۹: «مارادونا رو ولش کن»، «غضنفر» ی‌رو

جیبس تا کامران شوی.

❗❗❗ حیف که جسيم تموم شده، غضنفری! حیف، صد حیف، خودتو مارادونا می‌کردم.

۹۱۳۸۰۴: آقای افشار عزیز، من متخصص ایمپلنت و زیبایی هستم. بی تعارف برای ترمیم دندان‌هایتان بی‌هیچ ششمداشتن در خدمت هستم و از هیچ کمکی مشافیه نمی‌کنم.

❗❗❗ قریون‌ت بره، نمی‌شه اول پرستاترو رو است که از ختم فوتبال بود و پیش از آنکه ساییدگی ایملنت کنیتم، بعدهش دنونامو سوند وصل کنیتم؟! آخه وسط جراحی کتیدم! ه‌زار تا بدبختی و فلاَن و بیسار، بهو این پرستات میشرف هم غوزبا لغوزم شد، دیگه دندون‌رو ل کرم جسیديه به اون نمراد! صومدش کجای رسانه‌های امروز الگوسازند؟ ختی سودسیاسیات با این همه دارا دودرو، مر معریت خودش را در حوزه رسانه‌ا از دست داده و در الگوسازی شکست خورده، چه برسه به یه روزنامه، گولتو رو بخورم قناری!

۹۱۹۶۶۲: شما (تا-ها) بيشتر به نظر می‌رسه دین کوشی‌هایی که هوش مصنوعی‌رو پشتیبانی می‌کنه تبلیغ می‌کنین، و گرنه این همه وحشت معنی نداره. این هوش مصنوعی آدامسه میکروچیپ‌های حک مغزه.
❗❗❗ تو حالا تو این عمر ۲۰ (سالها) کسی ... صدام نگرده بود که اونم کردیدا دمتون گرم. (حالا می‌فهمم چرا از قتل‌ها با این واژه «ت» نته‌لانی دارم! بس که از موسیقی لاکمی‌اش خوش می‌امد) خود داشت و با همه ما به نوعی راه می‌مد و مدارا می‌کرد» (تاریخ شفاهی نشر ایران -علی‌دهباشی، مرحل‌های همه‌جرملی‌های قدیم.

❗❗❗ باید به روز داستان ان روز رو بنویسم که گرگ و پسر داش مرحملی‌خان ریخته بود و بچه‌های چاپ‌خونه ایندنا، نوب دیششویی حبسش کرده بودن!

۹۱۹۵۰۶: آقای افشار در یادکست ۱۳۶ این هفته، مجری برنامه (مجتبی‌هاشمی) از علاقه ویژه شما به گار ینشای بریلی برده و داشت. یک کم توضیح می‌دن راجع به این بازیکن؟

❗❗❗ والله من اونقد گار ینشا تو زندگی‌ام دارم رفت به جاشون، دوتا کاپشن چرم گرفت و ششمد

که نمی‌دونم «گار کدام نتشا؟» البت چندبار قبل درباره گار ینشا نوشته‌ام. به نظر من اولین مارادونا تاریخ بود. گوش راستی که تمام کج چپ‌های دنیا را به یک طریق دریل می‌کرد. تمام مربیان و مدافعانی که جلوی او بازی می‌کردند این را می‌دانستند و چه

سارو‌زهای بسیاری برای خشتی کردن او طراحی کرده بودند اما سبز نگاه گولش را می‌خوردند و چا

می‌ماندند و هیچ کس حرف او نمی‌شد. برزیلی‌ها معتقد بودند که «هر کس که یک بار -حفظ یک بار

- دریل این برنده کوچک را دیده باشد دیگر از هیچ دربیلی تعجب نخواهد کرد». معنی این عبارت این

است که او ختم فوتبال بود و پیش از آنکه ساییدگی ایملنت کنیتم، بعدهش دنونامو سوند وصل کنیتم؟! آخه وسط جراحی کتیدم! ه‌زار تا بدبختی و فلاَن و بیسار، بهو این پرستات میشرف هم غوزبا لغوزم

شد، دیگه دندون‌رو ل کرم جسیديه به اون نمراد! جسمه کن اودمدي پشت، همزمان هم دنونام سفيد پنچالي شدم كه ترموستاتمو كندم و انداختم جلوي سگا، به جاش، ابرامو شستري كردم(خدایا) متونم دارم تا اين كفتار هابي يافوايي كه من دارم، فردا يا به من ارز و لغور، اوداجم!

۹۱۱۳۳۳: -سلام به مجموعه روزنامه هفت‌صبح. من از خوانندگان و مخاطبان هوش هستم. یک سال تولد تمام زمانم را در حذف کردا رفتم که حذف کنم!
۹۱۳۳۳۴: -آقای هفت‌صبح، در خیابان‌ها تابلو زده‌اند که شب‌ها ساعت ۱۰ از تلویزیون سریال ۸ آ را ببینید. توجیه کنده رسانه‌ای که زمانی مراد برقی را نشان می‌داد و خیابان‌ها خلوت می‌شد چه بلایی بر سرش آورده‌اند که با تبلیغات خیابانی دنبال مشتری می‌گردند. لطف کنید برای زیاد شدن بینندگان، مراد برقی را به صورت تکراری نشان دهید.

❗❗❗ برقی‌رو نشسون بدن، من تازه می‌رم بیرون دوردورا (مجسم من مردم برای تماشا‌شی

این برنامه بخزده «ماره‌پایه» تلویزیون، خیابان‌ها را خلوت کنند! ایستشش. حالم به هر خور،)

❗❗❗ «عزیزم؟» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ «عزیزم؟» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،

❗❗❗ اولنشدش به من «عزیزم» نگو،</

سورژه هفته منمخمه

ابراهيم افشار

مرا دستگیر نکنید لطفا

۱ | من غلط کرده بودم یک تنه فساد موجود در فوتبال را ریشه کن کنم. من شکر خورده بودم. من ظلّ ظهیر، داشتم توی تحریریه، فس دود می کردم و با علمای روزنامه هرهر و کرکر می خندیدیم که ناگهان ناگهان ناگهان سه چهار تا آدم ۱۶۰ کیلویی چهارشانه کت و شلوارِی، متین و معقول و به ردیف وارد تحریریه می شدند. با اخم و تخم فراوان و سگره‌های در هم و چشم‌هایی که خون آشان می‌پاچید بیرون. پاکنی هم در دست داشتند. سکوت بود که می‌رفت. چه کوجه خلوت بود. اولی که وارد شد گفتم بدبخت شدیم. دومی که وارد شد دیدم اسلحهاش از پهلوش زده بیرون. سومی که وارد شد گفتم مامان بیا نجاتم بده. اولین ۱۶۰ کیلویی به محض اینکه خودش را نازک کرد و به پهلو ا در رد شد فریاد زد «ابراهیم افشار کیه؟» یک لحظه سکوتی مرگبار در فضای تحریریه نشست. همه به هم نگاه کردند. جیک کنی درنیامد. نگاه نکردم ببینم آیا شلوارم را خیس کرده بودم؟ چندان سکوت هولناکی حاکم بود که صدای رد شدن گربه همساده از روی شیروانی مجتمع کناری را به گوش شنیدم. صدای خنچچچ می داد. حتی صدای نفس‌های گربه را می‌شنیدم. همه بچه‌ها نگاه کردند به هم و خفه‌خون گرفتند. یارو باز پرسید «ابراهیم افشار کیه؟» با خود گفتم «مامان به دادم برس من شلوارم را خیس کردم.» دیگر دوزاری‌ام افتاد که امداندن بیرندم. تحریریه با حضور ده پونزده نیرو در سکوتی مرگبار فرو رفته بود. اما در آن لحظه هیچکس مرا به انگشت سبابه نشان نداد. همه داشتند من و من می‌کردند. همه سرشان پایین بود. همه داشتند به سقف نگاه می کردند. همه داشتند ناخن‌شان را می‌جویدند. همه داشتند به گربه روی شیروانی همسایه نگاه می کردند. خدایا من با کدام گروهک مسلح همکاری کرده‌ام؟ خدایا من جاسوس کدام کشور بوده‌ام؟ خدایا من به خر کی، پیشته گفته‌ام؟ سومی داد زد «ابراهیم افشار کیه؟» گفتم بروم سرم را ببیندازم پایین، چشم‌هایم را از اشک پر کنم و بگویم «منم من، من تنها، من

نادر نامدار

آن شب جان فرسا

کابوس بزرگ من و خیلی از استقلالی‌های هم‌نس من، شی است که تیمان در امارات مقابل العین آن فاجعه را رقم زد. بازی رفت را با هر بدبختی بود، با گل کاوه رضایی در دقیقه‌نود از روی نقطه پنالتی یک بر صفر برده بودیم و امیدوار بودیم به صعود. به هر حال گل نخوردن از تیمی که آن روزها در آسیا برای خودش غولی بود، حتی در آزادی، کار کمی نبود. برای صعود به مرحله بعد کافی بود در امارات گل نخوریم و خب همین باعث شد منصوریان در یکی از بزرگ ترین تصمیمات اشتباه بر شمارش، به صرافات این بیفتد که تیمش را با دفاعی ترین ترکیب ممکن و دفاعی ترین سیستم ممکن به مصاف حریف بفرست. مشکل بزرگ اما این جا بود که او در خط هافبک چند مصدوم و محروم داشت. دیگر خبری از روزبه چشمی و امید ابراهیمی که استقلال لیگ شانزدهم را با آنها تمام کرده بود، نبود و هافبک‌های استقلال که آن مقطع، در فرنیاد قری، فرشید اسماعیلی، مجتبی حقدوست و جابر انصاری بودند. اسماعیلی هم در بازی رفت اخراج شده بود و دست منصوریان را در پوست گردو

حمید رستمی

چه خوب که من آنجا نبودم!

۱ | همه چیز از یک مسافرت خانوادگی و دسته‌جمعی به شمال آغاز می‌شود. سه خانواده، که سال‌هاست با هم رفاقت دارند و زمانی که دانشکده‌ای بودند، حالا برای تفریح و در کردن خستگی زندگی پیچیده شهری به شمال می‌زنند و شور و سر زندگی و دریا و طبیعت و اگر خدا بخواهد وصل دو جوان همراه انتظارشان را می‌کنند. اما دیوار خوشبختی کوتاهتر از آن است که فکرش را بکنی و یک بادبادک بازی در ساحل و بگو بدهندای کودکانه در طرف‌العینئ تبدیل به یک تراژدی هولناک می‌شود. کودکی به آب می‌افتد و همه در تلاش برای نجاتش به دریا می‌زنند و تلاش‌های مرارت بارشان بالاخره به بار می‌نشیند و کودک جان سالم به در می‌برد و بعد از دقایقی خوشحالی همه چیز رنگ عوض می‌کند و این آغاز یک مخمصه تمام‌نشدنی است و فهمیدن اینکه‌الی (ترانه علیدوستی) همان دختر که برای احمد (شهاب حسینی) نشان کرده بودند و گل سفر پنهانی برای نزدیک‌شان بود غیبتش زده و حالا باید در بین امواج خروشان دریا به دنبال اثری از او باشند. **۲** | پای پلیس بالاخره به ماجرا کشیده می‌شود. اولین سوال که می‌پرسند این است: اسسش چه بود؟ الی؟ الهام، التاز، المیرا؟ و فامیلی‌اش که هیچکس نمی‌داند. کسی که مهمان سه خانواده بوده و گفته و خندیده‌اند حالا هیچ کدام حتی اسمش را کامل نمی‌دانند غیبتش بزند و آدم‌ها را با سئوالاتی بی‌جواب و شرایط برنج در مورد فرجامش تنها بگذارد. اینکه در دریا غرق شده یا برگشته تهران؟ اگر رفته چرا رفته؟ چگونه رفته؟ چرا بی‌خداحافظی رفته؟ چرا کیش را نبرده؟ کسی که مربی مهد کودک یکی از بچه‌هاست و به هوای دختر خوب بودن از طرف سپیده (گلشیفته فراهانی) برای ازدواج با احمد در نظر

مهدی افخمی

قضیه شیشه! شکل اول

از بزرگ‌ترین مخمصه‌های زندگی من همان شکستن شیشه در کلاس پنجم دبستان در دبستان شهید رجایی کار یزنو بود. غلامرضا عزیزی فرد مرا چون نمره‌هایم خوب بود مبصر کلاس کرد و من باید همه چوین‌های قلعه را می‌گفتم بنشینند و ساکت باشند. چوب دستمال فلور یکی از آنها را گرفت تا ابهتی هنگام قدم زدن پیدا کنم. هنگامی که خواستم چوب را بهش پس بدهم کمی قدرت را چاشنی کار کردم و چوب از دستم در رفت و شیشه پنجره شکست. نوای موزون شیشه شکسته کلاس را پر کرد و محمود که چند سالی بود کلاس پنجم بود همه را دعوت به سکوت کرد و خواست این شیشه شکسته را زی بین من و ۳۵ نفر باشد. چوب همه قبول کردند به جز یک نفر. غلام نصیبی! می‌دانست که من می‌ترسم پس بنابراین روز بعد به من نزدیک شد و شروع به گرفتن حق‌السکوت کرد که اگر به من

بی‌کس». «من چه گناهی کرده‌ام؟ ببینید حتی سیانور هم توی قوطی کبریتم نیست.» نگاهم باز به گربه خالخال‌پشمی افتاد که روی شیروانی همسایه داشت به کبوتری نگاه می‌کرد. آیا شلوارم را خیس کرده بودم؟

۲ | من آدم بسیار استرسی و مضطربی هستم. من آدم خری هستم. اما در آن لحظه خدا به من آرامشی داده بود که مادرم نداده بود. شاید سر این بود که در یک حرکت غریزی محض، خودم را زدم به خرّیت و شروع کردم با گوشی موبایلم وُر رفتن. دوه سه نفر از آن آدم‌های ۱۶۰ کیلویی پخش شدند توی تحریریه. یکی اما دم در ایستاد که هیچکس بیرون نرود. آن که دم در ایستاده بود جوانی غول پیکر بود با چشم‌هایی از جنس یخچال‌های سبیری و نیم تنه‌اش در را کاملاً مسدود کرده بود. دو نفر از غول‌پیکرها پیچیدند سمت اتاق مدیریت آقای جیروودی که مرا پیدا کنند و ببرند. یک لحظه تصمیم گرفتم انگشت سبابه‌ام را عینهو یک بچه‌محصل مظلوم بیاورم بالا و بگویم «آه، ابراهیم افشار لعنتی منم. خواهش مرا به صلابه نکشید.» همزمان داشتم به این فکر می‌کردم که مرا کجا خواهند برد؟ آیا آنجا هم سیگار کنت و چای و لیموی چهارم هست؟ حتی به این هم فکر کردم که بگویم اجازه می‌دهید من الان یک وکیل سرتق بگیرم که فارسی را خوب حرف بزند؟ یک لحظه اما فرشته روی دوش راستم در گوشم خواند که: «ای ابرام بی‌دست و پا! در همین حالی که داری با گوش‌ات ور می‌روی، آرام‌آرام از در تحریریه به برو بیرون و فرار کن.» ابرام بی‌دست و با هم فوری بر گشت گفتم «باشه، شناسن مو امتحان می‌کنم اما جرمم زیاد نشود خره؟»

۳ | دل را زدم به دریا و در حالی که داشتم‌نشان می‌دادم که دارم اس‌ام‌اس‌های مهمی تایپ می‌کنم سرم را انداختم پایین و هِلخ‌هَلخ‌هَلخ از بغل این یاروی غول‌پیکر گذشتم و فرشته روی دوش چپم، او را چنان کور کرد که حتی برگشتش نگاهم کند. پله‌ها را هِلخ‌هَلخ‌هَلخ در حالی پایین رفتم‌که روی هر

یاگرد می‌گفتم الان یارو برمی‌گردد تو را لقمه چیش می‌کند و می‌گوید کجا داری درمی‌روی بدبخت؟ شاید دیوست سال زمان برد تا از آنهمه پله‌های غبارگرفته راهرو و یاگردهای لعنتی ساختمان میدان ولیعصر روزنامه پایین رفتم و با هر پله‌ای که رفتم یک موی سرم سفید شد. آنقدر آرام‌آرام می‌رفتم که مامور دم در حتی یک لحظه هم حدس نزد که شاید همین بشر که پله‌ها را با اینهمه طمانینه پایین می‌رود همانی هست که ما دنبالش ایم. انگاری دنبال یک ففره ابراهیم افشار جوان بودند نه یک آدم یالغوز بالفطره که من باشم. منسی که برای خریدن یک آدم‌س هم‌استرستر دارم و معمولاً قلبم می‌آید توی حلق کثیفم، آن لحظه چنان با آرامش پله‌ها را پایین رفتم که انگاری داشتم می‌رفتم دیت با زنی که ۵۰ سال‌سال عاشقش بودم. آنهمه بی‌دلوایسی، برای خودم هم غیرقابل باور بود. در حالی که پله‌ها را یکی یکی می‌آدم پایین، هر لحظه فکر می‌کردم که الان یکی از همان ماموران ۱۶۰کیلویی بیکهو می‌زند پس گردنم و می‌گوید «اوهووی‌ی کجا داری تشریف می‌بری شازده؟ بیا برویم سلول انفرادی‌ات را نشان دهم». گفتم الانه است که فوری قیونی را می‌زند به دستم و بادم‌جانش را می‌کارد پای چشمم، یکجوری که سال بعدش کدو و کمبوزه محصول بدهد. اما خدا را چه دیدی؟ مثل یک گردب ملوس از آنهمه پله آدمم پایین و از پاگردها گذشتم و ساختمان چهار طبقه را طی کردم و رسیدم همکف و به سلامتی وارد کوچه شدم. دیگر مطمئن بودم که الان بچه‌ها مجبور می‌شوند مرا لو بدهند که «برادر! همان آقای میانسال قد کوتوله که دیدید اس‌ام‌اس‌شان رفت پایین. ابرام افشار بود دیگه!» و غول‌پیکرها بریزند خیابان. نمی‌دانم از کوچه تا سر خیابان کریم‌خان (نزدیک ولیعصر) را چطور یی تا ترس و لرز رفتم که خودم را انداختم جلوی اولین تاکسی. داد زدم در دست در دست. یارو زد روی ترمز و خاموش کرد. دیدم پیرمردی هشتادساله با یک تاکسی فکستنی. آنقدر زار و نزار است که هر لحظه

ممکن است پشت رُل مقصور شود. گفتم «دریست. آقا درست. درست.» اما شوشفوره گر بود. دستنت را گذاشت روی گوشش «کجا؟ خربست؟» «درست آقا درست؟» «کجا مقصر؟» «کجا؟ کرس؟» ای بخشکی شناسن. دهانم را بردم لب گوشش و داد زدم در دست درست. این بار گفتم «شریت؟» «وحدت؟» آنقدر داشت معطلم می‌کرد که گفتم الان دیگر مامورها می‌رسند و توی تاکسی خفتم می‌کنند. خودم را انداختم صندلی جلو. گفتم تو رو به روح عزیزت فقط برو. گفتم «آهان حالا فهمیدم؛ مشهدا!» گفتم نه بابا درست، درست! بدبخت تا آمد کلاچ بگیرد و بزند دنده یک، ماشین تر تر کرد و خاموش شد. آمد استارت بزند ماشین گفت غوغوغوغو ولی روشن نشد. دوباره استارت، دوباره غوغوغوغوغو، ولی روشن نشد. ای بخشکی شناسن. گفتم پیاده بشوم، تا زور دارم فرار کنم بلکه خودم را از موقعیت محلی دور کنم و یک جای امن سنگر بگیرم. پیرمرد اما دستم را گرفته بود و می‌گفت «مگه من می‌گذارم بروی. خودم بایستت ببرمت. حالا چقدر عجله داری مرد مومن. نترس، الان روشن می‌شود و باهم گپ‌زنان هِلخ‌هَلخ می‌رویم سمت مقصدتان. حتی می‌توانی ماشین را خودت هل بدهی که زودتر روشن شود.» داشتم پیاده می‌شدم که یا فرار کنم یا هل بدهم که پیرمرد آخرین استارت را زد و ماشین گفت غوغوغوغو و سر غیرت آمد و روشن شد. گفت «ای جانم، دیدی چه رخش‌ی است این اسب پیر من؟» گفتم حاج آقا به خدا عجله دارم برو، با بی‌خیالی محضی گفتم «مگه مامور دنبال‌ته؟» باید می‌گفتم ار، به خدا مامور دنبال‌ام است. اما نگفتم.

۴ | پیرمرد هِلخ‌هَلخ راه افتاد و یک ساعتی طول کشید تا از منطقه خطر دور شدیم. با خود گفتم بروم خانه. بعد فکر کردم

تکند یا همان احضار به یابند تا خانه؟ سه‌راه طلاقانی پیاده شدم بلکه یک وکیل فورس ماژور پیدا کنم و شُر را بخوابانم که یکپهو دیدم نه تنها کاشنشم که کیف پولسم و کیف بزرگ خبرنگاری‌ام را هم روی تحریریه جا گذاشته‌ام. زنگ زد سست تر می‌شد. بازی در دقیقه ۷۵ شش بر صفر به سود العین بود و هواداران استقلال نمی‌دانستند دعا کنند بازی با همین نتیجه تمام شود یا تیم‌شان یک گل دیگر بخورد! البته که خیلی فرقی نمی‌کرد و در هر دو حال طعنه‌های هواداران پرسپولیس آغاز می‌شد. طعنه‌هایی که بعد از گذشت بیش از ۷ سال هنوز هم تمام نشده و مطمئناً هرگز تمام نخواهد شد. آن مخمصه و آن آبروریزی بزرگ محصول تصمیمات اشتباه منصوریان و اتفاقاتی مثل اخراج و مصدومیت و کمبود بازیکن و البته آمادگی چند ستاره العین مثل عمر عبدالرحمان و کایو بود. احتمالاً دیگر هرگز چنین نثسبی برای استقلال تکرار نخواهد شد. استقلال در هیچ مخمصه‌ای با آن بز گی نمی‌خواهد کرد اما چه فایده که خاطره آن شب جان فرسا و تمام‌نشدنی، تا آخر عمر در ذهن هواداران استقلال خواهد ماند و بغض آن شب رهای‌شان نخواهد کرد.

مگر می‌تواند رابطه‌ها در حالت اول برگردد؟ مگر می‌تواند حال آدم‌ها را در روز قبل از آن واقعه برگرداند؟

۴ | سبنمای اصغر فرهادی پرست از این مخمصه‌ها! انگار تک تک فیلم‌هایش و آدم‌های درگیر در قصه‌هایش در مخمصه‌ای گیر افتاده‌اند که خروج از آن در توانشان نیست و هرچه دست و پا می‌زنند وضعیت بدتر می‌شود که بهتر نمی‌شود و اوج این نکته در فیلم شهر زیباست که دومین و شاید بهترین ساخته اصغر فرهادی محسوب می‌شود. فیلمی اجتماعی با درون مایه عاشقانه و آخرین فیلمش در مورد طبقه فرودست جامعه همراه بااحیای شمایل بازیگری فرامرز قریبیان و ارائه تصویری جدید از او در نقش پیرمردی که دختر نوجوانش توسط دوست پسر نوجوانش به قتل رسیده و حالا با رسیدن پسرک قاتل به سن قانونی درخواست پدرش را دارد. از سوی دیگر رئیس زندان با عنایت به رفتار و سخنان بسیار در دوران زندان دلش نمی‌آید و سعی در گرفتن رضایت از اولیای دم دارد و در این راه از دوست صمیمی‌او می‌خواهد که با هماهنگی خواهر قاتل به در خانه پدر مقتول رفته و تمام تلاشش را برای رهایی پسرک از اعدام به کار گیرد تا اینجا ی کار موقعیت دردناکی ست که شاید بارها رخ داده و هر عزیز از دست داده‌ای در آرزوی قصاص قاتل باشد تا به زعم خود جگرش خنک شود و هر خانواده نزدیک چوبه دار، تمام هم و غم خویش را بری‌ای رهاندن عزیزش به کار بندد ولی موقعیت اینجا ی پیچیده‌تر می‌شود که پدر دختر از دست داده که تقاضای قصاص دارد به دلیل تفاوت دیه مرد و زن توان مالی پرداخت نصف دیه برای آویختن قاتل به طناب دار را ندارد و به هر دری برای جور کردن پول می‌زند کمتر نتیجه می‌گیرد و اینجا ی

مسئله برای پایین گذاشتن باری که الکی به دوش کشیده‌ای اعتراف است. اعتراف و داد زدن به این که تو آن چیز را خراب نمودی! او وقتی نامزدت آن کلمه تیک را به کار برده است برای اینکه بفهمد تو دوستش داری یا نه! ان‌فهمیده‌ای و معنای دیگری در کمترین حالت ممکن است! خواهرش (ترانه علیدوستی) هم کلمه را گفته که تو بروی و پدرش را درآوری و مگر به زبان آوردن این کلمه که تو یکی را دوست داری چقدر سخت است! دوست داشتن آدم‌ها انگار برای من مخمصه‌ای بود که نمی‌توانستم هیچی اعتراف کنم. باید فاصله‌ام را با همه حفظ می‌کردم مبادا پشیز خراب بشود. مبادا از دستتش بدهم. حالا ۱۵ سال می‌می‌گذرد و اعتراف به دوست داشتنت هیچ مسئله غامضی را حل نمی‌کند. اوضاع جهان جنون‌آمیز تر از آن است که منتظر لحظه اعتراف من بایستد.

خانه که پول بیاورند هیچکس گوشی را برنداشت. زنگ زدم فرشاد که از روزنامه، کاپشن و کیفم را بیاورد. دیدم فرشاد با یکی از خبرنگارهای حوزه فوتبالی آمد. گفتم کیف و کاپشنم کو پس؟ گفت جلوی مامورها که نمی‌شد برداشت آورد. یک ۵ هزار تومانی گذاشت کف دستم که پول تاکسی را حساب کنم برود. دیدم خبرنگار پادوی حوزه استقلال که پیشش هست همه‌اش دارد با گوشی موبایش زر می‌زند و هی استناد استاد می‌بندد به ناظم. (بعدها فهمیدم همو بسود که لحظه به لحظه زندگی مرا گزارش می‌داد به مامورها و بازیکنی که علیه‌اش مطلب نوشته بودم) بالاخره پول تاکسی را دادم و گفتم امشب با بروم به عنوان یک چریک تر سوی بدبخت توی خانه محسن، سحر کنم و فردا خاکی به سر کنم.

۵ | از خانه محسن زنگ زدم به فراز کمالوند. داستان را گفتم. گفتم که یکی از ستاره‌های باشگاه آبی که از نوجوانی شاگرد شما بوده دربار‌اش مطلبی نوشته‌ام و رفته شکایت کرده و حکم جلب گرفته است. گفت فردا می‌رویم خانه پدری‌اش و قال را می‌خوابانیم. فردایش سر سوار ماشین شاسی‌بلندش کرد و رفتم خاک سفید و من رسماً از تک‌تک خانواده‌اش عذرخواهی کردم و رفتند رضایت دادند. آن شب اما همان ستاره در میان حرف‌هایش اعتراف کرد که آن «خبرنگارک» جوان که با فرشاد آمده بودند پول تاکسی‌ات را بدهند لحظه به لحظه وضعیت شما را به من گزارش لایو می‌داد «لان» از تحریریه درفت، الان سه‌راه طلاقانی است، الان رنکش پریده، الان دنبال وکیل است، الان پول ندارد، الان می‌گوید چه خاکی به سر کنم، الان سیگار کشید، الان رفت لای باقالی‌ها!»

۶ | دیگر یاد گرفت‌م که هرگز دربراره زندگی خصوصی هیچ قهرمان و ضدقهرمانی، مطلب ننویسم. من مگر یک‌تنه مسئول مبارزه با فساد در فوتبال مملکت هستم؟ من چکاره حسن‌ام؟ لعنت بر هر چپی چکاره حسن است.

محمد طالبیان

مخمصه یعنی جریان عادی یک روز تکراری

بازی‌های ویدئویی شاید تنها مدیومی از هنر و سرگرمی باشند که مخاطب را با داستان خود به شکل مستقیم درگیر می‌کنند. اینکه در چه بخشی از داستان چه تصمیمی می‌گیرید و انتخاب شما چه تأثیری در سرنوشت شخصیت‌ها دارد، یکی از کلیدی‌ترین برگ‌های برنده بازی‌های ویدئویی نسبت به دیگر مدیوم‌هاست. بارها پیش می‌آید که در موقعیتی سخت گرفتار می‌شوید و باید انتخابی را صورت دهید که شاید از هیچ‌کدام از نتایج آن رضایت نداشته باشید. انتخاب‌هایی که می‌تواند نزدیک‌ترین شخصیت‌ها به قهرمان داستان را حذف کرده یا حتی ارتباطی مستقیم با سرنوشت بشريت داشته باشند. بازی‌های ریز و درشت این روزها بارها سعی می‌کنند تا مخاطب را در چنین موقعیت‌هایی قرار دهند. اینکه انتخاب کنید شخصیتی که صدها ساعت را در دنیای خیالی با او دنبال کرده‌اید را در یک لحظه به کام مرگ برسانید یا به او اجازه دهید که جانی‌تی نابخشودنی را مرگب شود. در ابتدا قصد داشتم به سراغ چنین موقعیت‌های چالش برانگیزی رفته و برخی از آنها را بررسی کنم اما واقعیت ماجرا این است که گیمیر ایرانی قسبل از ورود به بازی هم گرفتار موقعیت‌هایی غیرممکن و مخمصه‌هایی حل‌ناشدنی است. او همواره با این سوال درگیر است که آیا نیمی از حقوق ماهیانه خود را صرف خرید یک بازی کنم یا نیمه دوم ماه را با این ترس همیشگی دنبال کنم که ممکن از شدت فقر چیزی برای خوردن نداشته باشم. گیمیر ایرانی هر روز را با ترس از نابودی توسط بی‌پولی شروع کرده و شب با ترس از فیلتر شدن هر آن چیزی که تنها امید زندگی‌اش است، به خواب می‌رود. در روزگاری که سرگرمی تنها کلمه‌ای در لغتنامه است و معنای خود در دنیای واقعی را از دست داده، بازی‌های ویدئویی آخرین سنگر برای نسلی است که قرار است آینده این کشور را بسازد. آینده‌ای که روشنایی‌اش در پیچ‌های تونلی بی‌انتها گم شده. سخت است از نسلی که باید شش ماه غذا نخورد و نفس نکشد تا بتواند حداقل‌های سرگرمی را برای چند سالی در اختیار داشته باشد، بخواهید صحبت از امیدواری کنید. گیمیر ایرانی در مخمصه‌ای بی‌شایات به هر چیزی که فکرش را نکشد، گرفتار شده. اینکه برود و در باتلاق خیابانی غرق شود و تبدیل شود به اسکلتی بی‌جان که تنها وجود دارد یا خود را در دنیایی خیالی قهرامش کند. دنیایی که برای رسیدن به آن باید هزینه کرد. هزینه‌ای که فقط و فقط برای همان گیمیر و نه خانواده‌اش معنا دارد. خودم را جای پدری قرار می‌دهم که در مخمصه خرید یک دستگاه برای بازی کردن فرزندانش گرفتار شده. آن که می‌خواهد عزیزترین‌هایش را از فساد بیرون از خانه دور نگه دارد اما راهی جز استقبال بیشتر از بدبختی را در مقابل خسود نمی‌بیند. نمی‌داند که باید چه چیزی را فد کند تا غم میراث خود را نبیند. البته که انتخاب چنین والدینی همیشه مشخص است. او سلامت روان و بدن خود را فدا می‌کند تا لذت دیدن امید در چهره فرزندانش را از دست ندهد. خوب می‌داند که هیچ چیز در این دنیا برایش ارزشمندتر از این نیست و هیچ چیز دیگری هم برایش جای باقی نمانده. در چنین روزگار و جغرافیایی نمی‌توانم از مخمصه در بازی‌های ویدئویی صحبتی کنم. نمی‌توانم از شخصیت‌های خیالی بگویم که در مخمصه گرفتار شده و باید از میان کدهای نوشته که به شکل تصویر نمایش داده می‌شوند، انتخاب‌هایی سخت و غیرممکن را انجام دهند. مخمصه با بیدار شدن ما از خواب شروع می‌شود و با به خواب رفتنمان به پایان نمی‌رسد. هر روز لباس به تنمان می‌کند، برامیان لقمه صبحانه می‌گیرد و در تمام طول روز هم‌راهمان هست. مخمصه هر شب کتاب ما در تخت دراز می‌کشد و به چشم‌هایمان زل می‌زند تا از شدت فقر و خستگی به خواب برویم. مخمصه یعنی جریان عادی یک روز تکراری.